

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی  
جمهوری اسلامی ایران  
شماره سی‌ام، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۷۷ - ۱۱۹

**تحولات قاعده مصونیت دولت:**  
**تأثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و**  
**قانون مبارزه با**  
**تروریسم ایالات متحده آمریکا**  
**دکتر علیرضا ظاهری\***

**چکیده**

در حال حاضر مصونیت دولت خارجی در دادگاه‌های داخلی سایر دول به عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در رویه دولتها و همچنین در قوانین داخلی بسیاری از دولتها (همانند ایالات متحده آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا، پاکستان، آفریقای جنوبی ...) تثبیت شده است. متن پیش‌نویس سال ۱۹۹۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در واقع تدوین قاعده عرفی از پیش موجود است. از

---

\*. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

همان آغاز - يعني بعد از قضيه شونر اكسچنج - \*\* قاعده مصونيت دولتها به عنوان قاعده حقوق بين الملل، تحولات دامنه داري را تجربه کرده است. از جمله در اين خصوص مي توان به «دكترين مصونيت مطلق» و «دكترين مصونيت محدود» قاعده مصونيت دولت به عنوان تحولات كلاسيك آن اشاره كرد.

قاعده مصونيت دولت در حال حاضر از وضعيت عرفي در حقوق بين الملل برخوردار است، اما در مورد استثناهاي اين قاعده چنين اتفاق نظري وجود ندارد و دولتها در اين استثناها متفق القول نيستند. از سويي ديگر، قاعده مصونيت دولت در حال حاضر نيز وضعيت ايستا و ثابتي را نيافته و همچنان در حال تغيير و تحول است. مهم ترين تحول اخير قاعده مصونيت دولت، قانون مبارزه با تروريسم ايالات متحده آمريكا و قانون «صلاحيت دادگستري جمهوري اسلامي ايران براي رسيدگي به دعاوي مدني عليه دولتهاي خارجي» است. اين قوانين كه هر کدام با

---

\*\* The Schooner Exchange v. McFaddon, Supreme Court of United States, 1812. 11 U.S. (7 Cranch) 116, 3 L. Ed. 287;

دعاوي مكفادون و شريكش عليه كشتي نيروي دريايي فرانسه با اين عنوان كه اين همان كشتي اكسچنج آنان است كه در سال ۱۸۱۰ توسط نيروي دريايي فرانسه توقيف شده است.

شرایطی خاص به دادگاه‌های مربوطه اجازه رسیدگی به دعاوی مطروح علیه دولت خارجی را اعطا کرده‌اند، دریچه جدیدی را به سوی قاعده مصونیت دولت گشوده‌اند. در مقاله حاضر با بررسی این قوانین و مخصوصاً قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران، به تعیین جایگاه قوانین اخیر در قاعده مصونیت دولت می‌پردازیم. پس از این بررسی، با پرسشی اساسی در این مقاله مواجه می‌شویم: آیا می‌توان این قوانین را به عنوان استثنای جدیدی بر قاعده مصونیت دولت پذیرفت؟ و یا اینکه قوانین فوق را باید به عنوان ظهور عرفی مخالف قاعده مصونیت دولت تلقی نمود؟

در وضعیت کنونی، اولاً به دلیل رویه قانونی و قضایی دولتهای ایالات متحده آمریکا و ایران، ثانیاً به دلیل سکوت سایر دولتها نسبت به اعمال و اجرای این قوانین و ثالثاً به دلیل جوّ عمومی بین‌المللی علیه تروریسم بین‌المللی می‌توان این چنین نتیجه گرفت که اعمال صلاحیت بر دولتهای خارجی در موارد مرتبط با تروریسم بین‌المللی به صورت بالقوه می‌تواند به عنوان استثنایی جدید بر قاعده مصونیت دولت تلقی گردد.

**تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۲۱**

اما به هرحال تحقق و تثبیت آن به عنوان استثنایی جدید نیازمند گذشت زمان و تأیید عملی سایر دولتها است.

### مقدمه

قاعده مصونیت دولت به عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل<sup>۱</sup> تحولات دامنه‌داری داشته است. تحولات کلاسیک این قاعده موضوع بحث اسناد و مقالات متعددی بوده است. اما تحولات اخیر این قاعده بخصوص در رابطه با تروریسم بین‌المللی و پذیرش دعاوی مربوط به خسارات و صدمات وارده به افراد علیه یک دولت خارجی در دادگاههای ملی سایر دول به اتهام تروریسم بین‌المللی، چشم‌انداز جدیدی را بر قاعده مصونیت دولت می‌گشاید. این‌گونه

---

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۷۸ درباره موضوع «مصونیت قضایی دولتها و اموالشان» (Jurisdictional immunities of states and their properties) بحث نموده است. کمیسیون پس از طی فراز و نشیبهای بسیار، بالاخره موفق شد تا در چهل و سومین نشست خود در سال ۱۹۹۱ از میان نظرات گوناگون به یک جمع بندی رسیده، متن پیشنهادی را نهایی نموده و متن نهایی را به مجمع عمومی ارسال کند. نگاه کنید به گزارش شماره A/46/10 کمیسیون حقوق بین‌الملل. این گزارش همچنین دربردارنده تفسیری از مواد پیشنهادی است که در سالنامه سال ۱۹۹۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، بخش دوم از جلد دوم چاپ شده است.

به نظر می‌رسد که جهش قاعده «مصونیت مطلق» دولت در دادگاه‌های داخلی سایر دول به سمت «مصونیت محدود» خاتمه نیافته و مصونیت محدود در معنایی جدید و محدودتر ارائه می‌شود و در نتیجه مصادیق بیشتری را در برمی‌گیرد. ادامه این روند می‌تواند قاعده مصونیت دولت را از درون تهی کند و عملاً پوسته‌ای بی‌محتوا از آن در روابط بین‌الملل به جای بگذارد. البته اگر این حرکت را به عنوان بخشی از حرکت عظیم‌تری که در روابط بین‌الملل پدید آمده و به موجب آن هر روزه از دامنه حاکمیت دولتها (به نفع مرجعی بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی) کاسته می‌شود نگاه کنیم، در این صورت شاید این روند چندان هم غیرعادی تلقی نگردد.

استثنای جدید که در رویه قانونگذاری و رویه قضایی بعضی از دولتها از جمله ایران و ایالات متحده آمریکا<sup>۲</sup> پدید آمده است، پرسش‌های متعددی

---

2. The Anti-terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996, Pub.L.No.104-132, § 221, 110 Stat.1214,1241;

Victims of Trafficking and Violence Protection Act of 2000 [hereinafter VTVPA], Pub.L.No.106-386, §2002,114 Stat.1464, 1542-43.

را مطرح می‌سازد. از جمله، آیا این استثنا با قاعده عرفی موجود سازگاری دارد؟ آیا این استثنای مصونیت دولت می‌تواند در طول زمان به عنوان بخشی از حقوق عرفی موجود تثبیت شود؟ آیا رویه‌های جدید آنچنان یکسان شده‌اند که بتوانند عنصر مادی يك عرف (عرفی مخالف عرف قبلی و «عرف موجود») را پدید آورند؟ و... پاسخ به برخی از این پرسشها در حال حاضر امکان‌پذیر است ولی پاسخ به برخی دیگر نیاز به گذشت زمان و نوع واکنش سایر دولتها نسبت به این استثنا دارد.

در مقاله حاضر موضوع فوق با دیدی انتقادی از زاویه قانون ایران و سازگاری آن با استانداردهای بین‌المللی بررسی شده است و تا حد امکان سعی شده که به سؤالات فوق پاسخ دهیم. برای این کار به بررسی قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا هم خواهیم پرداخت.

### تحوالات قاعده

ماده واحده «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به

دعاوي مدني عليه دولتهاي خارجي»<sup>۳</sup> از جنبه‌هاي مختلفي قابل بررسي است. آثار و توابع وضع اين قانون درون سيستم حقوق ايران يکي از جنبه‌هاي قابل تأمل و انطباق آن با قواعد بين‌المللي (عرفي) جنبه ديگري است که حائز اهميت مي‌باشند. بررسي زير عمدتاً بر محور انطباق اين قانون با قواعد بين‌المللي صورت گرفته است.

صرفنظر از ماهيت اين قانون و همچنين ساير قوانين مربوط در اين موضوع، آنچه از ظاهر و شکل تدوين آن به چشم مي‌خورد اين است که در تصويب قانون بسيار شتابزدگي به خرج داده شده و اين خود در نهايت موجب بي‌دقتي آشکاري در تدوين آن شده است.<sup>۴</sup>

---

۳. البته مقدم بر اين قانون نيز قوانين ديگري در رابطه با دولتهاي خارجي در ايران وجود داشت، از جمله قانون تشديد مقابله با اقدامات تروريستي دولت آمريکا مصوب ۱۳۶۸/۸/۱۰. توجه قانون مزبور به مقابله با اقدامات تروريستي دولت آمريکا است، اما موضوع آن فقط دستگيري و مجازات اتباع آمريکايي است و اصلاً توجهي به طرح دعوي عليه يك دولت ندارد. البته متن اين قانون به عبارت «اتباع و عوامل آمريکايي» اشاره نموده است که شايد بتوان در مواقع ضرورت تفسير موسع از آن نمود.

۴. کليات قانون فوق در روز يکشنبه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۶ به تصويب رسيد و دوفوريت آن در روز دوشنبه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۷ تصويب شد، نهايتاً متن آن در جلسه علني روز

**تحولات قاعده مصونيت دولت ... ❖ ۱۲۵**

این قانون موضع رسمی ایران را در رابطه با موضوع مصونیت دولت تشکیل می‌دهد و بیان‌کننده رویه (قانونگذاری) دولت ایران در موضوع مصونیت دولت‌های خارجی و اموال آنها است. طبیعی است که به دنبال تصویب این قانون، رویه قضایی دولت ایران نیز تغییر جهت خواهد داد و در جهت اهداف این قانون حرکت خواهد کرد و این کیفیت با توجه به ایرادات عدیده وارد بر آن درخور بسی تأمل است. به هر حال صرف‌نظر از انگیزه‌های تدوین این قانون باید ابتدا به بررسی متن قانون بپردازیم و سپس نتیجه‌گیری کنیم.

### شرایط اعمال قانون

قوانین راجع به مصونیت دولت‌ها از جمله قواعد حل تعارض به شمار می‌روند. در این قوانین معمولاً به حقوق و تعهدات ماهوی هر یک از طرفین، نحوه و میزان غرامتی که در صورت نقض حق باید پرداخته

---

سه‌شنبه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۸ مورد تصویب قرارگرفت و در روز بعد، یعنی چهارشنبه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسید. برای آگاهی بیشتر رک. مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دوره پنجم، جلسات ۲۲۳ و ۲۲۴، شماره‌های ۱۵۹۵۳ و ۱۵۹۵۴.



شود و سایر شرایط اشاره ای نمی‌شود. در مقابل، فقط رسیدگی به این موارد را تابع صلاحیتی خاص می‌دانند. برعکس، قوانین مادی<sup>۵</sup> که حکم قضیه را بیان می‌نمایند، در قواعد حل تعارض حکم قضیه مشخص نمی‌شود ولی صلاحیت رسیدگی به موضوع (اعم از صلاحیت قضایی یا قانونی) تعیین می‌شود، همانند ماده ۷ قانون مدنی ایران<sup>۶</sup> که قاعده حل تعارض است و به مسأله صلاحیت قانونی پرداخته و صلاحیت قانون خارجی را در مورد احوال شخصیه بیان می‌کند و یا ماده ۹۷۱ قانون مدنی<sup>۷</sup> که قاعده حل تعارض است و از این رو به مسأله صلاحیت قضایی می‌پردازد آن هم بدون ورود در ماهیت قوانینی که بر صلاحیت دادگاهها حاکم است، فقط تعارض بین

---

۵. در مقابل قواعد حل تعارض، قواعد مادی، قوانینی هستند که در ماهیت موضوع وارد شده و حکم را مشخص می‌کنند، مثل ماده ۴۸۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «موجر نمی‌تواند در مدت اجاره در عین مستأجره تغییری دهد که منافعی با مقصود مستأجر از اجاره باشد».

۶. نگاه کنید به ماده ۷ قانون مدنی ایران.

۷. البته لازم به توضیح است که این ماده، ماده ای در حل تعارض بین المللی است و نه حل تعارض داخلی، لذا مستقلاً نمی‌تواند برای دادگاههای ایرانی صلاحیتی را پدید آورد و دادگاههای ایرانی برای اعمال صلاحیت نیازمند قاعده ای مستقل در این خصوص هستند، همانند ماده ۱۰ و یا ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹.

**تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۲۷**

صلاحیت دادگاههای داخلی و خارجی را حل می‌کند. همچنین، قواعد تعارض دادگاهها مستقیماً و بطور اساسی مسائل مربوط به صلاحیت دادگاه و آیین دادرسی را حل می‌کنند و به هیچ وجه مسأله را به قانون صلاحیتدار دیگری ارجاع نمی‌دهند. به عبارت دیگر، قواعد مربوط به تعارض قوانین دوجانبه عمل می‌کنند، یعنی گاهی قانون ایران را صلاحیتدار می‌دانند و گاهی قانون خارجی را. در حالی که قواعد مربوط به تعارض دادگاهها یکجانبه هستند، بدین معنی که قانونی جز قانون کشور متبوع دادگاه را صالح نمی‌دانند.<sup>۸</sup> قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله قواعد حل تعارض است که صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران را در موارد خاصی (یعنی دعاوی علیه دولتهای خارجی) به رسمیت شناخته است. به عبارت دیگر پیش از این قانون، دادگستری جمهوری اسلامی ایران صلاحیتی برای رسیدگی به این دسته از دعاوی نداشت یا دستکم قانونی در این مورد

---

۸. الماسی، دکتر نجادعلی، تعارض قوانین، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸، ص ۱۱.

وجود نداشت و موضوع از نظر قانونی مسکوت بود، اما با وضع قانون فوق، این صلاحیت پدید آمد.

با تصویب قانون فوق، صلاحیت قضایی در این دعاوی مشخص می‌گردد. بدین ترتیب دعاوی که در دادگستری جمهوری اسلامی علیه دولت خارجی مطرح می‌شود، قابل پذیرش و رسیدگی است. نحوه اقامه دعوی و تشریفات شکلی حاکم بر روند دعوی از جمله قواعد جزمی است که در هر دولت وجود دارند و تابع قوانین هیچ کشوری به جز مقر دادگاه نیست. اما پس از این مرحله، وضعیت این دعوی چگونه خواهد بود؟ یعنی پس از طرح دعوی و پذیرش صلاحیت از سوی دادگاه، قاضی دادگاه باید شروع به رسیدگی کند و پس از بررسی‌های مقتضی طبق قانون حکم صادر نماید. حال سؤال این است که قاضی باید مطابق کدام قانون رسیدگی و حکم صادر نماید؟ به عبارت دیگر صلاحیت قانونی برای رسیدگی در این دعوی با کدام قانون است؟ باید قانون ایران به عنوان قانون مقر دادگاه حاکم باشد و یا قانون خارجی به عنوان قانون محل وقوع جرم، قانون متبوع

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۲۹

طرفین، قانون محل وقوع مال و یا قانون محل انعقاد قرارداد بر ماهیت این دعوی؟ و یا قوانین دیگر؟

قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران در صدر ماده واحده بیان می‌کند: «... در این صورت دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعوی مذکور رسیدگی و طبق قانون حکم صادر نماید...».

این قانون فقط همین عبارت را در مورد قانون حاکم بر قضیه بیان نموده و سپس در بندهای بعدی به انواع خسارات قابل طرح و سایر مسائل مربوط می‌پردازد. سؤال دیگر این است که منظور از قانون کدام قانون است؟ قانون ماهوی ایران؟ و یا قانون ایران به عنوان مجموعه‌ای منسجم و همبسته متشکل از قواعد ماهوی و قواعد حل تعارض؟

در پاسخ باید گفت که ارجاع به قانون هر دولت (اعم از قانون مقرر دادگاه یا قانون خارجی)، ارجاع به مجموعه‌ای واحد متشکل از قواعد ماهوی و حل تعارض تلقی می‌شود. به عبارت دیگر در مراجعه به قانون ابتدا باید به قواعد

بین‌المللی آن یا قواعد حل تعارض و سپس در مرحله بعد چنانچه قواعد تعارض قوانین مربوط اجازه داد به قوانین داخلی یا ماهوی آن مراجعه نمود، چرا که در غیر این صورت اصلاً مسأله‌ای به عنوان احاله (renvoi) در قوانین دولتها و بین‌سیستمهای مختلف حقوقی پدید نمی‌آید و با اولین ارجاع قانونی به قانونی دیگر، مستقیماً به قوانین ماهوی آن مراجعه و حکم قضیه طبق آن صادر می‌شود. اما چون باید به قوانین یک دولت به عنوان مجموعه مراجعه نمود، لذا در بعضی از موارد قانون دولت دیگر (قواعد حل تعارض) اجازه ورود به قوانین ماهوی را نمی‌دهد و یا به عبارت دیگر از خود سلب صلاحیت می‌کند، و در این موارد است که احاله پیش می‌آید. البته بسته به اینکه سلب صلاحیت به نفع قانون دولت مقرر دادگاه یا دولت ثالث باشد، احاله درجه اول یا دوم پیش می‌آید.<sup>۹</sup>

---

۹. ماده ۹۷۳ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد، محکمه موظف به رعایت این قاعده نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران باشد».

به سه دلیل می‌توان باور داشت که منظور قانونگذار از «قانون» در اینجا قانون ایران به صورت کلی است و نه فقط قوانین ماهوی ایران:

۱- تمامی مشروح مذاکرات مجلس در زمان تصویب این قانون فقط بر حول محور صلاحیت قضایی می‌گردد و هیچ ذکری از صلاحیت قانونی در میان نیست.<sup>۱۰</sup>

۲- قوانین راجع به مصونیت دولتهای خارجی معمولاً دعاوی مختلف و دولت خارجی و دستگاهها و ادارات آن را تعریف و طبقه‌بندی می‌نمایند و سپس معین می‌کنند که در چه مواردی دولت خارجی از مصونیت برخوردار است و در چه مواردی از مصونیت برخوردار نیست. در مواردی که دولت خارجی از مصونیت برخوردار نیست با آن همانند افراد حقیقی رفتار می‌شود، به عبارت دیگر این قوانین فقط در موارد خاصی مصونیت را از دولتهای خارجی سلب

---

۱۰. نک. اظهارات آقایان موسی قربانی، عباس عباسی، اصغر رئیسی دهکردی نمایندگان مجلس و اظهارات آقای منتظری (معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری) در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۸. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، مذاکرات علنی مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۲۴، شماره ۱۵۹۵۳، صص ۳۴-۳۲، (دوره پنجم، اجلاس چهارم، سه‌شنبه هیجدهم آبان ۱۳۷۸).

می‌کنند. قوانین مربوط به مصونیت دولت خارجی دیگر راجع به مسائل ماهوی یا حتی تعارض قوانین حکمی صادر نمی‌کند.<sup>۱۱</sup>

۳- قانون مدنی در بیان احکام راجع به تعارض قوانین از عبارات خاصی استفاده نموده، و در واقع با این عبارات خاص‌گزینشی از بین قوانین احتمالی حاکم بر موضوع انجام داده است. به عبارت دیگر در این مواد اشاره‌ای به قانون ایران یا قانون خارجی نکرده، بلکه از اصطلاحات خاصی همچون «قانون دولت متبوع مولی علیه»، «قانون محل وقوع مال»، «قانون متبوع دولت متوفی»، «قانون محل وقوع عقد» و ... استفاده کرده است.<sup>۱۲</sup> ولی در این قانون چنین‌گزینشی نشده است به همین دلیل می‌توان قائل بر این شد که قانونگذار در این مقام نبوده، و ارجاع به قوانین ایران بطور عام بوده است. حال باید به طور

---

۱۱. نک. مواد مختلف قانون ۱۹۷۸ مصونیت دولت بریتانیای کبیر و همچنین مواد مختلف قانون ۱۹۷۶ مصونیت‌های دولت خارجی ایالات متحده آمریکا و همچنین نک. مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل و یا مواد کنوانسیون ۱۹۷۲ اروپایی راجع به مصونیت دولت.

۱۲. برای مثال نگاه کنید به مواد ۹۶۳ تا ۹۷۲ قانون مدنی.

**تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۳۳**

خاص به حقوق بین‌الملل خصوصی ایران پرداخت و حکم موضوع را در آنجا جست. پس با این مقدمه، قاضی رسیدگی‌کننده به دعاوی علیه دولتهای خارجی در هر مورد که دعوایی (مدنی یا تجاری) علیه دولتی طرح می‌شود، بدو با توجه به قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران صلاحیت خود را احراز می‌کند و در مرحله بعد به توصیف دعوای مطروح نزد خویش می‌پردازد و سپس بر اساس توصیف انجام شده، دسته ارتباط آن را یافته و قانون حاکم را پیدا و بر قضیه اعمال می‌کند. بنابراین بسته به اینکه دعوای مطروحه علیه دولت، قرارداد، ضمان قهری، شبه جرم، دعاوی ناشی از مالکیت اموال (منقول یا غیر منقول) و یا دعاوی ناشی از تنظیم اسناد باشد، قانون حاکم بر قضیه متفاوت خواهد بود.<sup>۱۳</sup>

در نتیجه برای یافتن قانون حاکم در آن دعاوی که قانون ایران، صلاحیت محاکم

---

۱۳. همانند وضعیت مواد پیشنهادی تهیه شده در کمیسیون حقوق بین‌الملل که برای هر مورد خاص عامل ارتباط مناسبی پیدا کرده و بدین وسیله قانون مناسبی را حاکم بر قضیه دانسته است، مثلاً در مورد ضمان قهری صلاحیت دادگاه محل وقوع عمل، در مورد مشارکت در شخصیت‌های حقوقی صلاحیت دادگاه محل ثبت شخصیت حقوقی و... .



دادگستري خویش را بر آنها به رسمیت می‌شناسد باید انواع دعاوی مورد نظر این قانون را بررسی نمود.

در بیان این دعاوی، بند ۱ این ماده واحده مقرر کرده است:

«خسارات ناشی از هرگونه اقدام و یا ... که منجر به فوت، صدمات بدنی و روانی و یا ضرر و زیان مالی اشخاص گردد».

بند ۲ ماده واحده نیز با عباراتی مشابه بیان می‌کند:

«خسارات ناشی از اقدام و ... و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی و روانی و یا ضرر و زیان مالی اتباع ایران گردد».

همچنان‌که از ظاهر این دو بند مشخص است، هیچ‌یک از این موارد خسارات ناشی از تعهدات قراردادی را بیان نمی‌کنند،<sup>۱۴</sup>

---

۱۴. ممکن است استدلال شود که عبارت بندهای فوق عام بوده و خسارات ناشی از نقض قرارداد که نوعاً سبب زیان مالی می‌شود نیز در این محدوده بیان شده است. به هر حال احتمال پذیرش چنین استدلالی را نمی‌توان یکسره منکر شد. صحیح است که در موارد خسارات ناشی از نقض قرارداد، قانونگذار صریحاً از این لفظ یعنی «خسارات قراردادی یا

بلکه هر دو مورد خسارات ناشی از الزامات خارج از قرارداد یا ضمان قهری همانند دارا شدن بلاجهت، استیفاء اموال غیر و یا اتلاف و تسبیب را بیان می‌کنند. در روابط بین‌المللی مثالهای فراوانی برای این موضوعات می‌توان ذکر کرد، در مورد اتلاف و تسبیب می‌توان مثلاً به خساراتی اشاره کرد که در اثر از بین بردن بخشی از مزارع مرزی کشاورزان خصوصی بر اثر سم پاشی و آفت زدایی دولت همسایه پدید می‌آید و یا در خسارات حاصل از شبه جرم و یا تخلف می‌توان تصادفات رانندگی منجر به فوت یا نقص عضو اشخاص و امثال آن را ذکر کرد. جالب توجه است که قواعد تعارض قوانین یا قوانین بین‌الملل خصوصی ایران دارای حکم مشخصی در این مورد نیست. در نتیجه یافتن قانون صلاحیتدار در صورت اقامه دعوی در این موارد تا حدودی مشکل خواهد بود. قطعاً قاضی نمی‌تواند به دلیل فقدان نص

---

خسارات حاصل از نقض قرارداد» استفاده می‌کند، اما از آنجا که این قوانین نوعاً خسارات مدنی و تجاری را در بر گرفته و عمده‌ترین استثنای وارده بر مصونیت دولت به موجب دکترین جدید مصونیت دولت (یا دکترین مصونیت محدود)، معاملات تجاری است، شاید بتوان تفسیری چنین موسع از این بند ارائه داد.

قانوني از رسيدگي به قضيه استنكاف  
نمايد، بلكه بايد حكم قانوني را از  
ميان قوانين مختلف بيايد.

دكتور سلجوقي در اين مورد بيان

مي‌كند:

« با آن كه تعهدهاي بدون قرارداد  
مانند تعهدهاي قراردادي به وصف حقوق  
خصوصي متصفاند و تنظيم قاعده‌هاي  
ماهوي لازم درباره آنها به همراه  
قاعده‌هاي مربوط به تعهدهاي قراردادي  
در جلد اول قانون مدني صورت گرفته؛  
ولي به هنگام وضع قاعده تعارض قوانين  
درباره تعهدات قراردادي دركلييات جلد  
دوم آن قانون؛ چنين قاعده‌اي در زمينه  
اينگونه تعهدها وضع نشده است. اين  
سكوت قانونگذار را در اين باره  
نمي‌توان و نبايد چنين تعبير كرد كه  
راه تدارك چنين قاعده‌اي در حقوق  
بين‌الملل خصوصي ايران مسدود است. بر  
عكس با در نظر گرفتن اين كه بي‌ترديد  
رويه قضايي از منابع حقوق ايران  
بويژه در زمينه حقوق بين‌الملل خصوصي  
است، بايد گفت، با سكوت قانونگذار در  
اين باره، اين تكليف براي دادگاههاي

**تحولات قاعده مصونيت دولت ... ❖ ۱۳۷**

ایران ایجاد شده که در مقام رسیدگی به تعهدات بدون قرارداد؛ خود بر حسب وظیفه و با در نظر گرفتن روح قوانین ایران بویژه قوانین راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی و اسلوبی که در آن، قوانین درباره راه حل‌های تعارض بین‌المللی قوانین از سوی قانونگذار ترسیم گردیده، به برگزیدن قاعده‌ای که بتوان بر پایه آن به تعیین قانون صالح از میان قوانین کشورهای که قضیه به آنها مربوط است دست یافت، همت گمارد».<sup>۱۵</sup>

ایشان با این مقدمه، از میان عوامل ارتباط مختلف موجود در این قضیه به دنبال يك عامل ارتباط مطمئن می‌گردد، تا بدان وسیله در مرحله بعد قانون صلاحیتدار را انتخاب نماید. بدین منظور ابتدا به قوانین مختلف درگیر در قضیه از جمله قانون محل وقوع فعل زیانبار (اعم از شبه جرم، خطا یا سایر الزامات خارج از قرارداد)، قانون مقر دادگاه،

---

۱۵. سلجوقی، دکتر محمود، حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص ۳۸۸-۳۸۷.

قانون مناسب\* و نهایتاً به قاعده محل وقوع خسارت اشاره می‌کند.<sup>۱۶</sup> وی در نهایت با توجه به عوامل مختلف از جمله اشتراك نظر میان حقوق کشورهای مختلف، نقاط اشتراك میان عوامل موجد این زیانها اعم از شبه جرم، خطا و یا الزامات خارج از قرارداد و سایر عوامل، قاعده محل واقعه زیانبار (محل وقوع فعل یا ترك فعل زیانبار در مقابل محل ورود خسارت) را به عنوان عامل ارتباطی در این دسته از قضایا انتخاب نموده و در نتیجه قانون محل وقوع حادثه را به عنوان قانون صلاحیتدار معرفی می‌کند.<sup>۱۷</sup> البته لازم است یادآوری شود که پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مصونیت دولتها نیز همین ملاک را در مورد صدمات بدنی و خسارات وارده به اموال برگزیده است. در ماده ۱۲ پیش‌نویس با عنوان صدمات بدنی و خسارات وارده به اموال، به دولت خارجی که در سرزمین دولتی دیگر مرتکب فعل یا ترك فعلی شده که موجد زیان یا صدمه به

---

\*. Proper law.

۱۶. سلجوقی، دکتر محمود، همان، صص ۳۸۹-۳۹۸.

۱۷. سلجوقی، دکتر محمود، همان، صص ۳۹۸-۴۰۵.

صورت كلي يا جزئي به اشخاص شده است،  
مصونيتي اعطا نگرديده است.

به رغم بحثها و استدلالات فوق براي  
يافتن قانون حاكم در اين قبيل موارد،  
در آييننامه اجرائي اين قانون مجدداً به  
نكات مبهمي بر ميخوريم. لازم است اشاره  
شود كه آييننامه اجرائي اين قانون در  
تاريخ ۱۳۷۹/۲/۲۵ به تصويب رسيد<sup>۱۸</sup> كه در  
ماده ۵ خود بيان مي‌كند:

«تشریفات طرح دعوي، رسيدگي، صدور حكم  
و اجرائي آن مطابق قانون آيين دادرسي  
مدني و ساير قوانين و مقررات جمهوري  
اسلامي ايران است».

ماده ۵ آييننامه بسيار بحث انگيز  
است، در مورد تشریفات طرح دعوي و اجرائي  
حكم بر طبق قانون ايران ايرادي به نظر  
نمي‌رسد، چرا كه قوانين مربوط به شكل و  
نحوه دادرسي در همه جا تابع قانون مقرر  
دادگاه است. ولي در خصوص رسيدگي و صدور

---

۱۸. هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۵ بنا به  
پیشنهاد مشترك وزارتخانه‌هاي دادگستري و امور خارجه و  
به استناد تبصره ۳ «قانون صلاحیت دادگستري جمهوري  
اسلامي ايران براي رسيدگي به دعاوي مدني عليه دولتهاي  
خارجي»، اين آيين نامه اجرائي را تصويب نمود. روزنامه  
رسمي شماره ۱۶۰۹۵ مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۰.

حکم بر طبق قانون ایران ایرادی اساسی بر این آیین‌نامه وارد است، چراکه انتخاب قانون ایران به صورت جزمی در این مورد فاقد منطق حقوقی و ارتباط موضوعی بین قانون ایران و فعل زیانبار است. پس در نتیجه، قانون یا آیین‌نامه کدامیک به دقت و آگاهی تنظیم شده‌اند و می‌توانند ملاک اعتبار قرار گیرند؟ آیا این آیین‌نامه خارج از حدود اختیارات تنظیم نشده است؟ آیا این آیین‌نامه در سلسله مراتب سیستم حقوقی ایران با قانون مافوق خود مغایرت ندارد؟ در صورت مغایرت بین این دو متن قانونی، کدامیک از اعتبار برخوردار است؟ و در این رابطه نقش قاضی رسیدگی‌کننده به قضیه مطروحه در سیستم حقوقی ایران چیست؟ آیا قاضی می‌تواند عدم اعتبار این آیین‌نامه را مورد رسیدگی قرار دهد و آن را از اعتبار ساقط نماید؟

همه این موارد، سؤالهایی است که از مغایرت بین این دو سند پدید می‌آید، ولی پاسخ به برخی از این ابهامات در سیستم اداری و حقوقی ایران امکان‌پذیر نیست. در سیستم حقوقی ایران بر خلاف مذاکرات

علني مجلس که مشروح آن در روزنامه رسمي چاپ و منتشر مي‌شود در مورد آيين‌نامه‌هاي هيات وزيران متأسفانه يا چنين صورتجلسه‌اي تهيه نمي‌شود و يا در صورت تهيه در دسترس ديگران نيست.

با توجه به مراتب فوق به نظر مي‌رسد که به رغم ايرادات حقوقي وارده بر ماده ۵ اين آيين‌نامه، ناچار به انتخاب بين يکي از دو راه حل موجود در اين قضيه هستيم: ۱- ماده ۵ آيين‌نامه اجرايي قانون صلاحيت دادگستري جمهوري اسلامي ايران را خارج از حدود اختيارات و غير قانوني تلقي نماييم. بنا بر اين هرکس اعم از قاضي رسيدگي‌کننده و يا غير آن مي‌تواند ابطال آن را به دليل مغايرت با قانون برتر ( قانون مصوب مجلس، يعني قانون صلاحيت دادگستري جمهوري اسلامي ايران) درخواست کند، و ۲- «تشریفات طرح دعوي، رسيدگي، صدور حکم و اجراي آن مطابق قانون آيين دادرسي مدني و ساير قوانين و مقررات جمهوري اسلامي ايران» را تفسير کنيم و قائل شويم که عبارت «قانون آيين دادرسي مدني» که به عنوان مثال و مورد اعلي قانون حاکم بر



تشریفات طرح دعوی، رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن در این قانون آمده است، فقط در مقام بیان موارد شکلی و تشریفات حین رسیدگی، صدور حکم و اجرا همانند نحوه تشکیل جلسات رسیدگی (علنی یا غیر علنی بودن و امثال آن)، نحوه صدور حکم (همانند شکل اوراق خاص دادنامه، تعداد برگهای آن، الصاق یا عدم الصاق تمبر قانونی به آن و غیره) و یا نحوه درخواست اجرای حکم (همانند شکل درخواست برای اجرا، شرایط اجرا و غیره) بوده است و اصلاً توجهی به موارد ماهوی و قوانین حاکم بر ماهیت دعوی ندارد و تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوی را به سایر قوانین ارجاع داده است. در این صورت باید به قانون مدنی مراجعه نمود و در نهایت حکم مقرر را بر اساس قواعد کلی حل تعارض قانون مدنی ایران اجرا کرد.

### **مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی**

صدر ماده واحده «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی» بیان می‌کند:

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۴۳

«...از اقدامات دولتهای خارجی که مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نموده باشند...».

در این رابطه باید گفت که در حقوق بین‌الملل، روابط دیپلماتیک دارای نظام حقوقی خاصی است. برقراری روابط دیپلماتیک، انواع هیأت‌های دیپلماتیک، کارکنان فعال در هیأت دیپلماتیک، مزایا و مصونیت‌های هیأت و پرسنل دیپلماتیک، خاتمه مأموریت اعضای هیأت دیپلماتیک و غیره از جمله مسائل متنوعی است که در این نظام حقوقی جای دارند و مورد بحث قرار می‌گیرند. قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دیپلماتیک ثمره رویه دولتها در مدت زمانی طولانی است که به شکل قواعد حقوقی و آراء دادگاه‌های ملی و بین‌المللی متجلی شده است. این حقوق در حال حاضر تا حد زیادی در کنوانسیون ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک<sup>۱۹</sup> تدوین شده است و آنچه تدوین نشده عمدتاً عرفی به شمار

---

۱۹. این کنوانسیون از ۲۴ آوریل ۱۹۶۴ به اجرا در آمده است. برای ملاحظه متن آن نگاه کنید به: United Nations Treaty Series 95. 500.

می‌رود.<sup>۲۰</sup> از جمله مسائلی که این نظام حقوقی<sup>۲۱</sup> به آن می‌پردازد، مسأله مصونیت‌های هیأت دیپلماتیک و همچنین مصونیت‌های دیپلماتها است. در بین مصونیت‌های مختلف اعطایی به دیپلماتها، بخشی مجزا به مصونیت قضایی اختصاص داده شده است. مواد مختلفی و بویژه مواد ۲۹ تا ۳۴ این کنوانسیون به مصونیت قضایی اعضای هیأت دیپلماتیک می‌پردازند و مقررات مربوط را با عناوین مختلفی همانند مصونیت کیفری، مدنی و اداری بیان می‌کنند.

لازم است توجه شود که این کنوانسیون دارای نظام حقوقی خاصی است و مقررات آن شامل افراد و موضوعاتی است که درون این نظام جای دارند. همچنان‌که بیان شد، این کنوانسیون بدو کارکنان فعال در هیأت دیپلماتیک و همچنین هیأت‌های دیپلماتیک

---

20. Brownlie Ian, "Principles of Public International Law", 5<sup>th</sup> edition, Clarendon Press, 1998.

۲۱. در اینجا به هیچ وجه قصد نزدیک شدن به بحث ماهیت حقوقی این کنوانسیون و قواعد مربوط به آن را نداریم. در مورد اینکه آیا قواعد این کنوانسیون مسؤلیتها و تعهداتی معاهداتی یا عرفی پدید می‌آورند و همچنین بررسی رویه دولتها و آراء دیوان مخصوصاً در قضیه اشغال سفارتخانه ایالات متحده آمریکا در تهران، رک.

Hardy, Modern Diplomatic Law (1968); Denza, Diplomatic Law (1976); Brownlie, Principles of Public International Law (1998), pp. 349-381.

موضوع بحث خود را احصاء نموده و مقررات خود را فقط متوجه این افراد می‌کند. کنوانسیون فقط هیأت‌های دیپلماتیک دائمی را دربر می‌گیرد. کنوانسیون حتی مأموریت‌های دیپلماتیک خاص Ad hoc diplomatic missions را نیز در بر نمی‌گیرد.<sup>۲۲</sup> بنابراین کلیه مقررات کنوانسیون درخصوص نحوه انتصاب اعضای دیپلماتیک، نحوه انجام مأموریت، خاتمه مأموریت و مخصوصاً مصونیت‌های آنها، فقط ناظر بر همین رسته خاص است و افرادی خارج از این رسته را دربر نمی‌گیرد.

همچنین، مصونیت دولت نیز خود نظام حقوقی مستقل دیگری است که از مصونیت دیپلماتیک متمایز می‌باشد. هر یک از این دو، نظامی خاص با ویژگی‌های منحصر به خود می‌باشند. مصونیت دولت، نظامی است به مراتب گسترده‌تر و وسیع‌تر از مصونیت قضایی نمایندگان دیپلماتیک. مصونیت قضایی نمایندگان دیپلماتیک، فقط منحصر به نمایندگان دیپلماتیک (و یا در بعضی موارد محل سفارتخانه) است، ولی مصونیت

---

۲۲. مأموریت‌های خاص دیپلماتیک علی‌الاصول تابع کنوانسیون ۱۹۶۹ مأموریت‌های ویژه ملل متحد Convention on Special Missions هستند.

قضایي دولت شامل كل دولت در معنای وسیع آن ، اعم از وزارتخانه‌ها و اداره‌های مركزي و همچنین دستگاه‌های وابسته به آن می‌شود. مصونیت قضایي دولت فقط ناظر بر مصونیت در دعاوی تجاری است و حال آن‌که محور عمده مصونیت قضایي نمایندگان دیپلماتیک، مصونیت کیفری است و... در نهایت این‌که پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز این موارد را صریحاً از محدوده مصونیت قضایي دولت متمایز می‌کند. ماده ۳ پیش‌نویس با عنوان «۱- مزایا و مصونیت‌هایی که تحت تأثیر مقررات اخیر نیستند» بیان می‌کند:

«این مقررات به مزایا و مصونیت‌های دولت به موجب حقوق بین‌الملل در رابطه با اعمال وظایف زیر خدشه‌ای وارد نخواهد کرد:

(الف) هیأت‌های دیپلماتیک، پست‌های کنسولی، مأموریت‌های ویژه، مأموریت در سازمان‌های بین‌المللی یا نمایندگی در ارکان‌های سازمان‌ها یا کنفرانس‌های بین‌المللی؛ و

(ب) افراد مرتبط با این وظایف...».

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۴۷

بنابراین کمیسیون معتقد است که این دو مقوله از یکدیگر متفاوت است تا از احتمال تعارض و اشتراك در محدوده بین این دو مقوله (مصونیت دیپلماتیک و مصونیت دولت) جلوگیری نماید. یادآوری این نکته سودمند است که در نگارش اولیه بند ۱ ماده ۳ پیش‌نویس، کمیسیون فهرستی از مأموریتها و اشخاصی را که این بند بر وضعیت آنان حاکم نیست، بیان می‌کرد. البته این بند متعاقباً به شکل کلی در آمده و از احصاء موارد مختلف در آن خودداری شد. این بند در نگارش اولیه خود، از مأموریتها و افرادی که در موارد زیر نماینده دولتها به شمار می‌روند، یاد می‌کرد:

- (۱) هیأت‌های دیپلماتیک به موجب کنوانسیون روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ وین؛
- (۲) هیأت‌های کنسولی به موجب کنوانسیون روابط کنسولی ۱۹۶۳ وین؛
- (۳) هیأت‌های ویژه به موجب کنوانسیون ۱۹۶۹ هیأت‌های ویژه؛
- (۴) نماینده دولتها به موجب کنوانسیون ۱۹۷۵ وین راجع به نمایندگی

دولتها در روابط خود با سازمانهاي بين‌المللي با خصيصة جهاني؛  
(۵) مأموريتها يا نمايندگيهاي دائم و نمايندگان ناظر دولتها در سازمانهاي بين‌المللي يا ارکان آنها بطور كلي؛...<sup>۲۳</sup> لذا کميسيون بر اين باور است که اين دو مقوله کلاً از يکديگر مستقل هستند.

بنابراين، از عبارت «... از اقدامات دولتهاي خارجي که مصونيت قضايي ناشي از مصونيت سياسي دولت جمهوري اسلامي ايران و يا مقامات رسمي آن را نقض نموده باشند...»، مي‌توان دو برداشت متفاوت استنباط کرد: ۱- مفاهيم «مصونيت قضايي دولت» و «مصونيت ديپلماتيك» با يکديگر خلط شده و از سوي قانونگذار به اشتباه به عنوان مترادف انگاشته شده‌اند. ۲- اين مفاهيم از سوي قانونگذار با يکديگر خلط نشده بلکه قانونگذار در بيان عبارت «مصونيت قضايي ناشي از مصونيت سياسي دولت»، به ريشه و مبناي تاريخي اين قاعده توجه داشته، هدف آن انتخاب مبنايي از ميان مباني مختلف است.

---

23. ILC Rep., 1991, p. 21.

در بررسی مبانی یا ریشه‌های احتمالی قاعده مصونیت دولت نظرات مختلفی وجود دارد. اکنل تئوریهای مختلفی از جمله تئوری استقلال (The Theory of Independence Theory)، تئوری کرامت (The Theory of dignity)، تئوری برون مرزی (The Theory of extraterritoriality)، تئوری نزاکت (The Theory of Comity) و تئوری وظایف دیپلماتیک (The Theory of diplomatic functions) را بیان می‌کند.<sup>۲۴</sup> کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در هنگام تدوین مواد پیشنهادی با این آراء روبرو بود که آیا قاعده مصونیت دولت، قاعده‌ای مستقل یا استثنایی است بر صلاحیت ملی دولتها و یا اینکه منبعت از مصونیت‌های دیپلماتیک است؟<sup>۲۵</sup> بنابراین می‌توان معتقد بود که هدف قانونگذار ایران از بیان «مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی»، تکیه و تأکید بر پذیرش مصونیت دیپلماتیک به عنوان مبنای قاعده مصونیت دولت است.

---

24. O'connell D.P. (1970), *International Law*, 2nd ed., London, Stevens and Sons, vol.2, pp. 841-844.

25. البته در نهایت کمیسیون قاعده مصونیت دولت را به عنوان قاعده‌ای مستقل و نه استثنایی بر صلاحیت و یا قاعده‌ای منشعب از مصونیت دیپلماتیک تلقی نمود. نک. ILC Rep., 1982, pp. 203-204.



همچنین، مصونیت مقامات رسمی یا سران، مجدداً موضوعی است که به نظر می‌رسد در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران با بحث مصونیت دولت درآمیخته شده است، چرا که صدر ماده واحده مقرر می‌دارد:

«...از اقدامات دولتهای خارجی که مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نموده باشند...».

از نظر تاریخی از جمله موارد دیگری که در حقوق بین‌الملل مصونیت به صورت عرفی اعطا می‌شد، مصونیت حاکمان یا سایر سران دولتها بود. این بخش از حقوق بین‌الملل نیز شامل نظام حقوقی و مجموعه‌ای مختص به خود است و از قاعده مصونیت دولتها مستثنی است. البته در بحث مصونیت دولت هنگامی که صحبت از حاکم یا سایر سران دولت به عنوان بخشی از دولت و یا ارگان دولتی در عملکرد حاکمیتی آنان است، بلاتردید در محدوده قاعده مصونیت دولت بوده و مصداق شماره‌های ۱ و ۴ شق (ب) بند ۱ ماده ۲ از

**تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۵۱**

مواد پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل به شمار می‌روند. لیکن در خارج از این محدوده و در اعمال خصوصی و شخصی خود موضوع نظام حقوقی مستقل دیگری بنام مصونیت سران دولتها هستند<sup>۲۶</sup> که از منابع، تشریفات و ویژگیهای خاص خود برخوردار است.<sup>۲۷</sup> از همین رو است که ماده ۳ پیشنهادی کمیسیون بیان می‌کند: «این مقررات همچنین بر مزایا و مصونیت‌های اعطایی به موجب حقوق بین‌الملل به سران دولتها در مقام شخصی خود *Ratione personae*، لطمه‌ای نخواهد زد». به علاوه پیشنهادی نیز در بند ۱ سابق ماده ۳ به هنگام احصاء اسناد و مواردی که مقررات کنوانسیون بر آن تأثیر ندارد، در ششمین مصداق اشخاص حمایت شده

---

۲۶. وظیفه اصلی دادگاه در رسیدگی به دعاوی مطروح علیه ژنرال آگوستو پینوشه آگارتیه و معمر قذافی در واقع تشخیص عملکرد این اشخاص در هر یک از این دو سمت است. برای مطالعه بیشتر نک.

Salvatore Zappalá, Do the Heads of States in Office Enjoy Immunity from jurisdiction for International Crimes? The Ghaddafi Case Before the French Cour de Cassation, EJIL, vol.12, 2001, No.3, pp. 595-613.

۲۷. این نظام عمدتاً تابع کنوانسیون ۱۹۷۳ راجع به اشخاص حمایت شده بین‌المللی است، یعنی کنوانسیون راجع به ممنوعیت و مجازات جرایم علیه اشخاص حمایت شده بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک.

بین‌المللی و کنوانسیون ۱۹۷۳ راجع به ممنوعیت و جلوگیری از جرایم علیه اشخاص حمایت شده بین‌المللی، از جمله نمایندگان دیپلماتیک را ذکر می‌نمود.<sup>۲۸</sup> پس در نتیجه به هیچ شکلی امکان سازش بین صدر ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران با مقررات بین‌المللی ناظر به موضوع مصونیت دولتها وجود ندارد و باید بپذیریم که قانونگذار حداقل با عبارت «مصونیت قضایی ناشی از مصونیت مقامات رسمی»، مبانی و محدوده این دو مقوله حقوق بین‌الملل را به هم آمیخته است.<sup>۲۸</sup>

### عمل متقابل

صدر ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند: «... در این صورت دادگاه مرجوع الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعوای مذکور رسیدگی و طبق قانون حکم مقتضی صادر نماید. فهرست دولتهای مشمول

---

۲۸. البته منوط بر این‌که تفسیر بیان شده در بالا را در مورد عبارت «مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی دولت» بپذیریم.

عمل متقابل توسط وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضاييه اعلام مي‌شود».

سؤال اين است که جایگاه اين بند از ماده واحده در حقوق بين‌الملل در کجا قرار دارد؟ آیا اين عمل در حقوق بين‌الملل اقدام تلافی‌جویانه دولت نسبت به اتباع دیگری\* تلقي مي‌شود؟ یا اقدام تلافی‌جویانه غیرمسلحانه؟\*\* و یا معامله به مثل؟\*\*\* یا هیچ‌کدام؟

در طول تاریخ، سیستمهاي حقوقي (اعم از داخلي یا بين‌المللي) در اثر گذشت زمان به تدریج با تجربه‌تر و کامل‌تر شده‌اند. اين سیستمها مرحله به مرحله و در اثر تکامل هر چه بیشتر، از «انتقام» (Retaliation) فاصله گرفته و ضمانت اجراهاي دیگری در نظر گرفته‌اند. در حقوق بين‌الملل نیز روابط دولتها همیشه دوستانه و یا حتي مسالمت‌آمیز نیست. بنابراین، در مواردی که بين دو دولت روابط خصمانه و یا حتي روابط غیر دوستانه حاکم است، اين دو دولت به نوعی (یا ابتدائاً و یا در واکنش به تخلف

\*. Retorsion.

\*\* . Reprisal.

\*\*\*. Reciprocity.

بین‌المللی دولت مقابل) در صدد تلافی نسبت به یکدیگر هستند. در حقوق بین‌الملل نیز در اثر تکامل شکل خام، بی‌قاعده، خشن و بدون تناسب انتقام تغییر یافته و برای پاسخ به یک تخلف بین‌المللی اشکال منعطفتری در شکل اقدام تلافی‌جویانه نسبت به اتباع یا دولت‌ها یا معامله به مثل پدید آمده است. به هر حال، ریشه تمامی این اشکال در خودیاری قرار داشته و این اقدامات به دولت کمک می‌کنند تا بدین وسیله احقاق حق نماید.<sup>۲۹</sup> به عبارت دیگر، هنگامی که یک دولت به اقدام تلافی‌جویانه نسبت به اتباع دیگری Retorsion<sup>۳۰</sup> متوسل می‌شود، در واقع در صدد تلافی و انتقام است اما در محدوده‌ای قانونمند و دولت می‌تواند نقض حقوق خود را به وسیله سایر دولت‌ها از طریق اقدام تلافی‌جویانه نسبت به اتباع آنها و یا حتی در صورت امکان از طریق اقدام تلافی‌جویانه‌ای غیر

---

29. Sima Bruno, Reciprocity, Bernhardt Ency, vol.7, p. 403.

۳۰. سابق بر این هر نوع انتقام Retorsion یا Retortion نامیده می‌شد، بدون تمایز بین Retorsion و Reprisal. اما در حال حاضر Retorsion برای اشکال منعطفتر دفاع از خود Self-help یا محافظت از خود Self-preservation به‌کار می‌رود. نک.

Partch Karl Josef, Retorsion, Bernhardt Ency, vol.9, p. 335.

تحوالات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۵۵

نظامی نسبت به خود آنها پاسخ دهد. همه این اعمال معامله به مثل بوجود می‌آورند، البته در معنای منفی و مقابله‌جویانه.<sup>۳۱</sup> بنابراین، قاعده «این به جای آن» (*Quid pro quo*) در اینجا سهم اساسی دارد و دولتها مبنای استدلال خود را در توسل به این اقدامات قاعده «تو نیز» (*Tu quoque*) می‌دانند.<sup>۳۲</sup>

در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل، اقدام تلافی‌جویانه دولتی نسبت به اتباع دولت دیگر اقدامی است که دولتی اتخاذ می‌کند ولی ناقض حقوق دولت دیگر نیست و این اقدام در واکنش به عمل غیردوستانه یا خلاف حقوق بین‌المللی به عمل می‌آید که

---

۳۱. Reciprocity می‌تواند نقش مثبتی ایفاء کرده و عامل توازن در انعقاد معاهدات بین‌المللی و پذیرش سایر تعهدات بین‌المللی باشد، به طوری که دولتها با پذیرش Reciprocity به عنوان مبنای توافق خود، هر یک از بخشی از حاکمیت خود در روابط متقابل چشم‌پوشی و اغماض می‌نمایند. در حال حاضر بسیاری از توافقات و همکاریهای بین‌المللی بر همین مفهوم استوار است، از جمله روابط دیپلماتیک و کنسولی، معاهدات دوجانبه و متقابل. اما Reciprocity می‌تواند در معنای منفی هم به عنوان یک مجازات یا ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل نقش ایفا کند. برای مطالعه بیشتر نک.

Sima, *ibid.*, pp. 400-404.

32. Sima Bruno, *ibid.*, p. 403.

دولت دیگر اتخاذ کرده است.<sup>۳۳</sup> مصادیق اقدام تلافی‌جویانه دولت نسبت به اتباع دولت دیگر معمولاً نیازی به بررسی مشروعیت و قانونی بودن ندارند، چرا که این مصادیق نوعاً در عرصه صلاحدید دولت در روابط بین‌المللی قرار می‌گیرند و به همین دلیل است که عده‌ای از حقوق‌دانان وجود حقوق مربوطه یعنی “Law of Retorsion” را یکسره منکر شده‌اند.<sup>۳۴</sup>

در واکنش تلافی‌جویانه دولت نسبت به اتباع دولت دیگر، ضرورتی نیست تا واکنش مشابه اقدام دولت مقابل باشد و یا دقیقاً بر همان منافع خاص دولت مقابل اثرگذارد. روابط مختلف اقتصادی عمده مصادیق اقدامات تلافی‌جویانه دولتی را نسبت به اتباع دولت دیگر پدید می‌آورند، تحریم‌های اقتصادی، نپذیرفتن کشتی‌های دولت خارجی در بندر، قطع کمک‌ها، کاهش سهمیه واردات و... . گاهی اقدام

---

۳۳. این اقدامات فقط بر منافع دولت مقابل مؤثر واقع می‌شوند و تأثیری بر حقوق آن دولت ندارند. به همین دلیل نیازی به بررسی مشروعیت آنها وجود نداشته و عموماً در محدوده صلاحدید دولتها در عرصه روابط بین‌الملل خلاصه می‌شوند:

Partch Karl Josef, *ibid.*, vol.9, pp. 335-336.

34. *Ibid.*, p. 336.

تلافی‌جویانه دولتی نسبت به اتباع دولت دیگر در عرصه روابط دیپلماتیک هم مصادیقی می‌یابد همانند ایجاد محدودیت برای اعضای هیأت دیپلماتیک در دولت میزبان و یا اخراج دیپلماتها. البته بعضی از مصادیق اقدام تلافی‌جویانه که در گذشته مرسوم بود امروزه دیگر مرسوم نیست، همانند رفتار تبعیض‌آمیز با خارجیان.<sup>۳۰</sup>

صرفنظر از این تعاریف، به هر حال تشخیص این ضمانت اجراها از یکدیگر خصوصاً در تشخیص مرز بین این موارد چندان ساده و آسان نیست، مثلاً تشخیص اقدام تلافی‌جویانه هر دولت نسبت به اتباع دولت دیگر از اقدام تلافی‌جویانه غیر مسلحانه و نقض متقابل روابط قراردادی (موضوع ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۶۱ حقوق معاهدات). البته اقدام تلافی‌جویانه هر دولت نسبت به اتباع دولت دیگر و اقدام تلافی‌جویانه غیر مسلحانه از دو جهت از یکدیگر متمایزند: ۱- در اقدام تلافی‌جویانه غیر مسلحانه عمل اصلی که سبب بروز واکنش شده، عملی است خلاف

---

35. Ibid., p. 336.



حقوق بین‌الملل و نه فقط يك عمل  
غیردوستانه و ۲- در نتیجه واکنش هم  
عملی است ناقض حقوق بین‌الملل.<sup>۳۶</sup>  
در نتیجه، تلقی ما از این قانون و  
متقابلاً قانون مبارزه با تروریسم آمریکا  
بستگی به برداشت و نتیجه‌ای دارد که از  
وضعیت مصونیت قضایی دولت در حقوق  
بین‌الملل می‌توان استنباط کرد، اگر  
معتقد باشیم که قاعده مصونیت دولت،  
قاعده‌ای حقوقی (عرفی) است، در نتیجه  
قانون آمریکا ناقض حقوق بین‌الملل و  
واکنش ایران اقدام تلافی‌جویانه غیر  
مسلحانه خواهد بود. ولی به عکس، چنانچه  
معتقد باشیم که قاعده مصونیت دولت  
قاعده‌ای حقوقی نیست (نزاکتی، اخلاقی و  
...)، بنابراین قانون آمریکا همانند  
تحریم‌هایی که علیه ایران روا داشته  
است، خلاف حقوق بین‌الملل نبوده و در  
نتیجه واکنش ایران نیز اقدام  
تلافی‌جویانه دولتی نسبت به اتباع دولت  
دیگر خواهد بود.

در اینجا سؤال دیگری مطرح می‌شود که  
منظور از عمل متقابل به عنوان مبنای

---

36. Parth Karl Josef, Reprisal, *ibid.*, p. 334.

صلاحیت برای رسیدگی چه نوع عمل متقابل است؟ عمل متقابل سیاسی؟ عمل متقابل قانونگذاری؟ یا عمل متقابل قضایی؟

متن ماده واحد و آیین‌نامه اجرایی آن عام است و هیچ اماره‌ای در کل این متون یافت نمی‌شود که به استناد آن بتوان قائل به نوع خاصی از عمل متقابل شد. بنابراین باید قائل بر این بود که عمل متقابل در معنای عام (سیاسی، قضایی و قانونی) مورد نظر مقنن بوده است.

پس با این توجه وظیفه وزارت امور خارجه در تهیه این فهرست چیست؟ متن ماده واحد مقرر می‌دارد:

«...فهرست دولتهای مشمول عمل متقابل توسط وزارت امورخارجه تهیه و به قوه قضاییه اعلام می‌شود».

آیا این فهرست برای قاضی رسیدگی‌کننده از ارزشی همانند نظریه کارشناس رسمی برخوردار است و فقط به عنوان یک گواهی رسمی مبنی بر اتخاذ چنین اعمالی (سیاسی، قضایی یا قانونی) از سوی دولتهای خارجی است و یا اینکه این فهرست وزارت امور خارجه، برای

دادگاه صلاحیت پدید می‌آورد؟ به عبارت دیگر، چنانچه دولتی عملاً مصونیت دولت ایران را (در شکل سیاسی، قضایی و قانونی) نقض نکرده باشد و در نتیجه هیچ اقدامی صورت نگرفته باشد تا سبب اتخاذ اقدام تلافی‌جویانه غیر مسلحانه و یا اقدام تلافی‌جویانه دولتی نسبت به اتباع دولت دیگر از سوی دولت ایران گردد،<sup>۳۷</sup> ولی اگر نام آن دولت را وزارت امور خارجه در این فهرست ذکر کند، آیا دادگاه رسیدگی‌کننده می‌تواند صلاحیت خود را بر دعوی اعمال کند؟ یا آیا دادگاه رسیدگی‌کننده باید مبنای عمل متقابل (مذکور در صدر ماده) را احراز نموده و سپس اعمال صلاحیت نماید و یا اینکه صرف اعلام وزارت امور خارجه کاشف از وجود این صلاحیت برای دادگاه است؟<sup>۳۸</sup>

---

۳۷. البته توجه به نکته‌ای ضروری است که توسل به Retorsion نیازمند اتخاذ اقدام مقدماتی مثبت از سوی یک دولت نیست بلکه حتی تیرگی روابط بین دو دولت به هر دلیل می‌تواند در محدوده صلاحیت یک دولت برای تنظیم روابط خارجی خویش در شکل یک Retorsion متجلی شود.

۳۸. اگر فهرست وزارت امور خارجه همانند نظریه کارشناس رسمی دادگستری تلقی شود، در عداد دلایل، اماره‌ای خواهد بود که در کنار سایر امارات و برای قاضی رسیدگی‌کننده الزام‌آور نبوده و قاضی می‌تواند نسبت به صحت و سقم آن بررسی‌های بیشتری نماید.

در اینجا توجه به نکته‌ای ظریف ضروری است که قانون مبارزه با تروریسم آمریکا که در عنوان بعدی به آن خواهیم پرداخت دارای نقطه قرینه‌ای برای بند مزبور نیست. به عبارت دیگر شناسایی و اعلام کشورهای حامی تروریسم از سوی وزارت امور خارجه آمریکا، به عنوان یک اقدام ابتدایی و در مخالفت با تروریسم، صلاحیتی را برای دادگاه‌های آن کشور پدید می‌آورد. اعمال این صلاحیت از سوی دادگاه‌های آمریکا منوط به عمل متقابل هیچ کشوری نیست، ولی قانونگذار ایران اعمال این صلاحیت را از سوی دادگاه منوط به عمل متقابل می‌کند.

در پایان، از ظاهر عبارات قانون و با توجه به اختلاف بین قانون ایران و ایالات متحده آمریکا این‌گونه به نظر می‌رسد که عبارت «... در این صورت دادگاه مرجوع الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعوی مذکور رسیدگی و طبق قانون حکم مقتضی صادر نماید»، در بردارنده صلاحیتی (مشروط به عمل متقابل) برای دادگاه است و باید قبل از اعمال صلاحیت این شرط را احراز نماید. در این

احراز، اعلام وزارت امور خارجه مؤثر بوده و به عنوان يك اماره تلقي مي‌شود ولي نه به عنوان يك اماره غير قابل بطلان. پذيرش نظر مخالف، اعتبار قانوني عملکرد قوه قضاييه را زایل خواهد کرد، اگر مثلاً وزارت امور خارجه خلاف واقع،\* نام دولتي را در اين فهرست درج کند و اين فهرست را قطعي تلقي کنیم، اين امر سبب خواهد شد که دادگاههاي ما اعمال صلاحيت کنند اما نه از باب عمل متقابل، و اين امر خلاف نظر قانونگذار است.

---

\*. توضيح مختصري براي روشن شدن عبارت خلاف واقع در اينجا لازم است. بين عملکرد دادگاه (ارگان قضايي) و عملکرد وزارت امور خارجه (يا ساير ارگانهاي سياسي) تفاوت بسيار است. مبناي عملکرد دادگاه را قانون تشكيل مي‌دهد و دادگاه بر معيار حق و قانون رفتار مي‌کند. ولي مبناي عملکرد ارگانهاي سياسي را «مصلحت» تشكيل مي‌دهد. در حقوق بين‌الملل (و اساساً در حقوق) گاهي اين دو بسيار به هم نزديک مي‌شوند و گاهي بسيار دور. همانند بحث «شناسايي دولتها» که اين دو مفهوم بسيار به هم نزديک مي‌شوند. بنا بر اين، اصلاً بعيد نيست که وزارت امور خارجه ايران يا ايالات متحده بنا به اغراض سياسي نام دولتي را برخلاف واقع (يعني بدون اينکه تروريست بودن آن دولت قبلاً ثابت شده باشد) در اين فهرست اعلام کند. البته در اينجا آن رکن سياسي خلاف وظيفه و مسؤليت خود عمل نکرده، اما خلاف واقع عمل و رفتار کرده است. براي مثال، آيا ادعا و طرح موضوع «وجود سلاحهاي کشتار جمعي در عراق» به عنوان مبنايي براي حمله به عراق منطبق با واقع است يا خلاف واقع؟

**تحولات قاعده مصونيت دولت ... ❖ ۱۶۳**

## خسارات موضوع این قانون

ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی، دو دسته از خسارات را در بندهای ۱ و ۲ دربر می‌گیرد:

«۱- خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولتهای خارجی که مغایر با حقوق بین‌الملل باشد از جمله دخالت در امور داخلی کشور که منجر به... گردد»؛  
و

«۲- خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروههای تروریستی که دولت خارجی از آنها حمایت نموده و اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود به آنان داده باشد و اقدامات مذکور منجر به... گردد».

پیشتر گفته شد، موضوع نظام حقوقی مصونیت دولت فقط ناظر به دعاوی مدنی و تجاری است. به عبارت دیگر فقط در دعاوی مدنی و تجاری است که دادگاه دولت مقرر صلاحیت پیدا می‌کند تا در مورد استثناهای وارده بر مصونیت، رسیدگی کند و صلاحیت (قضایی) خود را اعمال نماید همانند معاملات تجاری، قرارداد استخدام، صدمات

بدني و خسارات وارده به اموال، مالکیت و تصرف اموال و موارد مشابه (موضوع مواد ۱۰ تا ۱۹ کنوانسیون ۱۹۹۱). لیکن دعاوی و قضایای مطرح شده در این قانون هیچیک در این محدوده جای نمی‌گیرند. «اقدام مغایر حقوق بین‌الملل»، «دخالت در امور داخلی کشور»، «اقدام و فعالیت‌های اشخاص یا گروه‌های تروریستی» و «اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت به اشخاص یا گروه‌های تروریستی»، نوعاً عناوینی نیستند که قانونگذار ایران یا قانونگذار خارجی در قوانین مدنی و تجاری و یا حتی در قوانین کیفری خود به آنها پرداخته و نسبت به آنها حکمی را مقرر نمایند. این اعمال نوعاً نقض مقررات حقوق بین‌الملل بوده و تابع مقررات بین‌المللی هستند و حقوق داخلی حکمی را نسبت به آنها صادر نمی‌کند.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت که قانونگذار ایران در این ماده واحده اصلاً در مقام قاعده‌گذاری نسبت به مصونیت دولتهای خارجی نبوده است. مصونیت دولتهای خارجی عرصه تعارض قوانین است و معطوف به دعاوی مدنی و تجاری است، ولی

هیچیک از این اقدامات در محدوده قوانین داخلی قرار نمی‌گیرد. البته قانونگذار این دعاوی را در صلاحیت دادگاه قرار نداده، بلکه دعاوی «خسارات ناشی از» دعاوی فوق را در صلاحیت دادگستری قرار داده است. ولی به هر حال چنانچه دولت خارجی در تشریفات رسیدگی حاضر گردد، دادگاه باید قبل از صدور حکم نسبت به خسارت بدواً به اثبات خود موضوع بپردازد، که این امر به هیچوجه در صلاحیت دادگاه داخلی نیست. به نظر می‌رسد که قانونگذار در این ماده واحده فقط در مقام پاسخ به قانون ضد تروریسم آمریکا بوده است و نه در مقام قانونگذاری نسبت به مصونیت دولتهای خارجی.

پیش از بررسی این قانون لازم به توضیح است که ارتباط بین قانون ضد تروریسم آمریکا و قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی آن، امری طبیعی و عادی است. به عبارت دیگر، قانون ضد تروریسم آمریکا بخشی از قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی آن را اصلاح می‌کند ولی ارتباط بین این دو در سیستم حقوقی ایران امری کاملاً عجیب است. به همین دلیل است که یا باید



عنوان این قانون را عوض کرد و یا متن آن را، تا با یکدیگر سازگاری پیدا کنند.

اما در مورد قانون مبارزه با تروریسم و مجازات مؤثر مرگ<sup>۳۹</sup> ایالات متحده آمریکا<sup>۴۰</sup> باید گفت که این قانون، در عمل قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی ایالات متحده آمریکا را اصلاح نموده و صلاحیت پذیرش دعاوی مالی علیه دولتهای خارجی را برای خسارات مالی حاصل از فوت یا صدمات بدنی را «به وسیله عمل شکنجه، قتل خودسرانه،<sup>۴۱</sup> تخریب هواپیما، گروگانگیری یا ارائه حمایت‌های مادی و پولی ... به چنین اعمالی» که منتسب به سایر دولتها است به دادگاه‌های خویش اعطا می‌کند. البته مشروط بر این‌که خواهان یا قربانی در زمان بروز این اعمال تبعه ایالات متحده بوده و وزارت امور خارجه نیز، دولت خارجی را به عنوان دولت حامی تروریسم معرفی

---

۳۹. عبارت Effective Death Penalty را می‌توان معادل «مجازات فوری مرگ» و یا «مجازات مؤثر مرگ» دانست.

40. The Anti-terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996, Pub.L.No.104-132, § 221, 110 Stat.1214,1241.

41. Extrajudicial killing.

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۶۷

نماید.<sup>۴۲</sup> سایر مقررات ، اسباب طرح دعوي در این قضایا را مشخص می‌کنند.<sup>۴۳</sup> از زمان تصویب این قانون، آراء متعددی در دادگاههای ایالات متحده علیه دولتهای کوبا و ایران صادر شده و شکایات متعدد دیگری نیز علیه دولتهای عراق، لیبی و سوریه ثبت شده است. نظر به ارتباط موضوع بطور خیلی خلاصه به قضایای مربوط به ایران و کوبا اشاره کرده و در مورد سایر دولتها علاقمندان را به منابع مربوط ارجاع خواهیم داد: در ۲۴ فوریه ۱۹۹۶ نیروی هوایی کوبا دو هواپیمای غیر نظامی و غیر مسلح ایالات متحده آمریکا را در آبهای بین‌المللی مورد اصابت قرار داد و در

---

۴۲. وزارت امور خارجه آمریکا دولتهای کوبا، ایران، لیبی، عراق، کره شمالی، سودان و سوریه را به عنوان دولتهای حامی تروریسم معرفی نموده است:

Murphy Sean D., State Jurisdiction and Jurisdictional Immunities, AJIL, January 2001, vol. 95, No.1, pp. 134-139.

۴۳. 28 U.S.C. §1605 note (Supp.IV 1998). این قانون که موجبی را برای طرح دعوي علیه هر يك از دولتهای خارجی و نمایندگانشان پدید می‌آورد، سبب شد تا برای اعمال تروریستی احصا شده در قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی (FSIA) ، صلاحیتی برای این دادگاهها پدید آید. این قانون جبران خسارت معنوي (Pain and Suffering)، خسارت اقتصادی (Economic Damages)، خسارات معنوي بابت جریحه‌دار شدن احساسات (Solatium) و خسارت تنبیهی (Punitive Damages) را مجاز می‌شمرد.

اثر آن همه چهار سرنشین هواپیما فوت کردند که سه تن از قربانیان این حادثه<sup>۴۴</sup> از اتباع ایالات متحده آمریکا بودند. در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۷ خانواده این سه قربانی آمریکایی برای به دست آوردن حکمی علیه دولت کوبا به مبلغ تقریبی ۱۸۷۰۶ میلیون دلار آمریکا به عنوان خسارت جبرانی<sup>۴۵</sup> و تنبیهی<sup>۴۶</sup> طرح دعوی نمودند. دولت کوبا نیز در جریان رسیدگی به این قضیه در دادگاه حضور نیافت؛<sup>۴۷</sup>

در ۹ آوریل ۱۹۹۵ یک نفر از جان گذشته، اتومبیل خود را که در آن مواد منفجره گذاشته شده بود به سمت اتوبوسی که از نوار غزه می‌گذشت هدایت کرد و از این طریق ۷ سرباز اسرائیلی و دانشجوی بیست‌ساله آمریکایی بنام آلیسا مایکل فلاتو (Alica Michelle Flatow) کشته شدند. در این جریان یک گروه تروریست، یعنی شاخه شقاقی از حزب جهاد اسلامی فلسطین، مسؤلیت این انفجار را پذیرفت. در ۱۱

---

44. Armando Alejandro Jr., Carlos Costa, and Mario de la Pena.

45. Compensatory Damages.

46. Punitive Damages.

47. *Alejandro v. Republic of Cuba*, 996 F.Supp.1239 (S.D.Fla.1997), in Murphy Sean D., *ibid.*, p. 135.

مارس ۱۹۹۸، دادگاه ایالات متحده حکمی به مبلغ ۲۴۷ میلیون دلار به عنوان خسارات مالی و خسارات تنبیهی به نفع خانواده خانم فلاتو صادر نمود؛<sup>۴۸</sup>

همچنین در موارد ذیل ادعا شده است که دو تبعه ایالات متحده آمریکا وابسته به دانشگاه آمریکایی بیروت به نامهای ژوزف سیسیپیو (Joseph Cicipio) و دیوید جاکوبسن (David Jacobsen) و یک تبعه دیگر آمریکایی بنام فرانک رید (Frank Reed) که دو مدرسه خصوصی را در بیروت اداره می‌کردند در مه ۱۹۸۵ توسط حزب الله لبنان ربوده شدند. این سه مرد تا زمان آزادی در شرایط بسیار نامساعدی زندانی بودند و شکنجه شدند. Jacobsen بعد از حدود یکسال و نیم، Reed بعد از سه سال و نیم، و سیسیپیو بعد از پنج سال و سه ماه آزاد شدند. در ۲۷ آگوست ۱۹۹۸ این سه تبعه آمریکایی حکمی به مبلغ ۶۵ میلیون دلار از بابت خسارات تنبیهی علیه دولت ایران به دست آوردند؛<sup>۴۹</sup>

---

48. Flatow v. Islamic Republic of Iran, 999 F.Supp.1 (D.D.C. 1998), in Murphy Sean D., *ibid.*

49. Cicipio v. Islamic Republic of Iran, 18 F.Supp.2d 62 (D.D.C. 1998), in Murphy Sean D., *ibid.*

در ۱۶ مارس ۱۹۸۵ حزب الله، روزنامه نگار آمریکایی بنام Terry Anderson را که در بیروت کار می‌کرد ربود و زندانی کرد. وی در طول دوره شش سال و نیم زندانی خویش مرتباً مورد آزار و اذیت قرار گرفت. او در دسامبر ۱۹۹۱ آزاد شد. وی در ۲۴ مارس ۲۰۰۰ حکمی علیه ایران به مبلغ ۳۴۰ میلیون دلار به عنوان خسارات مالی و تنبیهی به دست آورد؛<sup>۵۰</sup>

در ۲۵ فوریه ۱۹۹۶ دو تن از اتباع ایالات متحده آمریکا به نامهای Mathew Eisenfeld و Sara Rachel Ducker در اسراییل کشته شدند. در ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۰ خانواده قربانیان حکمی علیه ایران به مبلغ ۳۲۷ میلیون دلار به عنوان خسارت مالی و تنبیهی دریافت کردند؛<sup>۵۱</sup>

در ژوئن ۱۹۸۷ یک کلنل نیروی دریایی آمریکا بنام Willian R. Higgins به عنوان عضوی از نیروی حافظ صلح ملل متحد در لبنان<sup>۵۲</sup> منصوب شد. وظیفه این

---

50. Anderson v. Islamic Republic of Iran, 90 F.Supp.2d 107 (D.D.C.2000), in Murphy Sean D., ibid.

51. Eisenfeld v. Islamic Republic of Iran, No.98-1945, 2000 U.S.Dist. LEXIS 9545 (D.D.C.July 11,2000).

52. UN Truce Supervision Organization.

نیروهای غیر مسلح گزارش تحرکات نیروهای (بالقوه) متخاصم در مناطق مرزی مورد اختلاف لبنان و اسراییل بود. هیگینز در ۱۷ فوریه ۱۹۸۸ از اتومبیل خود ربوده شد و برای ۱۸ ماه در حبس ماند. در ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۹ نواری ویدیویی از هیگینز در حالی که از گردن آویزان است پخش شد. دو سال بعد جسد وی به ایالات متحده آمریکا برگردانده شد. نتایج کالبد شکافی نشان داد که مرگ وی قتل بوده و احتمالاً وی قبل از به دار آویخته شدن، کشته شده بود و ضمناً بخشهای مختلفی از بدن او بریده شده بود. همسر هیگینز در ۱۹۹۹ شکایتی طرح کرد. دادگاه در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۰ رأی غیابی صادر کرد. دادگاه بخش، در تاریخ ۱۰ ژوئیه برای رسیدگی به خسارات، جلسه‌ای بدون هیأت منصفه برگزار نمود. خواهان برای اثبات ادعای خویش نوار ویدیویی و اسناد گواهی را به دادگاه ارائه داد. دادگاه در ۲۱ سپتامبر حکمی به مبلغ ۵۵ میلیون و ۴۳۱ هزار و ۹۳۷ دلار به عنوان خسارات مالی علیه خواندگان و حکمی به مبلغ ۳۰۰

میلیون دلار به عنوان خسارات تنبیهی صادر نمود.<sup>۵۳</sup>

این توضیح لازم است که قانون ضد تروریسم و مجازات مؤثر مرگ فقط صلاحیتی به دادگاه برای رسیدگی به این موارد اعطا می‌کرد. لذا مصونیت دولتها نسبت به توقیف اموال و اجرای احکام (حتی دولتهای تروریست) همچنان ادامه می‌یافت و این قانون تأثیری در این موارد نداشت. از این رو، به منظور اجرای احکام صادره و اعمال فشار هر چه بیشتر بر این دسته از کشورها، برخی از سناتورهای آمریکایی طرحی را پیشنهاد کردند که قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی (FSIA) را برای ایجاد توانایی‌هایی در جهت اجرای احکام صادره نسبت به اموال دولتهای تروریست اصلاح می‌نمود. این قانون پیشنهادی که با مخالفت قوه مجریه مواجه شد، به خواهان دسترسی به اموال توقیف شده دولتهای مربوط و همچنین

---

53. Higgins v. Islamic Republic of Iran, No.1:99cv00377, order (D.D.C. Sept.21,2000) F.Supp.325;

برای مطالعه دعاوی دیگر علیه سایر دولتها نک.

Rein v. Socialist People's Libyan Arab Jamahiria, 995 F. Supp. 325(E.D.N.Y.1998).

Daliberti v. Republic of Iraq, 97 F. Supp. 2d 38, 45-46 (D.D.C.2000)

Murphy Sean D., *ibid.*, pp. 135-139.

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۷۲

اموال مؤسسات وابسته به آنها را اعطا مي‌کرد.<sup>۵۴</sup> اين قانون بويژه مصونيتهاي خاص دولت خارجي در مقابل توقيف و اجراي احكام نسبت به اموال ديپلماتيك و كنسولي را حذف نمود و دولت آمريكا، مي‌بايست بنا به درخواست خواهانها/شكات از مصونيت نسبت به توقيف و اجرا در خصوص مطالبات دولتهاي تروريست از دولت آمريكا صرفنظر مي‌نمود.

در نهايت پس از مباحثات گسترده بين قوه مجريه و نمايندگان كنگره، بجاي اين طرح قانوني، قانون جايگزين ديگري در اكتوبر سال ۲۰۰۰ در مجلس نمايندگان<sup>۵۵</sup> و سنا<sup>۵۶</sup> تصويب گرديد و رئيس‌جمهور وقت آمريكا اين مصوبه را در ۲۸ اكتوبر سال ۲۰۰۰ به عنوان قانون امضا نمود.<sup>۵۷</sup>

قانون جديد، براي خواهانهايي كه (۱) تا تاريخ ۲۰ ژوئيه سال ۲۰۰۰ حكمي

---

54. Murphy Sean D., *ibid.*, pp. 137-138.

55. House of Representatives (S.17969 106th Cong.1999).

56. 106 Cong.Rec.H9047-48 (daily ed.Oct.6,2000).

۵۷. قانون قربانيان قاچاق و خشونت سال ۲۰۰۰  
Victims of Trafficking and Violence Protection Act of 2000 [hereinafter VTVPA],  
Pub.L.No.106-386, §2002,114 Stat.1464, 1542-43.

قانون فوق بخشي از مقررات تصويب شده در جهت مبارزه با قاچاق اشخاص، خصوصاً براي تجارت جنسي، بردگي و كار اجباري را تشكيل مي‌دهد.



نهایی علیه ایران یا کوبا دریافت نموده بودند (که قضایای آخاندره، فلاتو، سیسیپیو و ایزنفلد را دربر می‌گرفت) یا (۲) شکایت/دادخواست خود را علیه ایران یا کوبا در یکی از پنج تاریخ معین شده<sup>۵۸</sup> ثبت کرده و حکم نهایی پس از ۲۰ ژوئیه دریافت نموده بودند (همانند قضیه هیگینز) جبران خسارت را پیش‌بینی می‌نمود.

به موجب این قانون شکات/خواهانها حق سه انتخاب داشتند. اول آن‌که، می‌توانستند با رها کردن تمام حقوق خود نسبت به خسارات مالی و تنبیهی مورد حکم را که معادل ۱۱۰ درصد خسارات مالی محکوم به بود به علاوه بهره آن از وزارت خزانه‌داری<sup>۵۹</sup> دریافت نمایند. دوم، آنها می‌توانستند معادل ۱۰۰ درصد خسارات مالی مورد حکم را به نفع خود به علاوه بهره

---

۵۸. §2002 (a)(2)(A) & (B). این قانون با فهرست کردن پنج تاریخ به خصوص (۱۷ فوریه و ۱۳ دسامبر ۱۹۹۹، ۲۸ ژانویه، ۱۵ مارس و ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۰) قضایای خاصی را مد نظر داشته که از قبل ثبت شده اما هنوز به رأی نهایی نرسیده بودند. البته این قانون به مسأله اجرا برای شکات/خواهانها که دعوی‌ای را علیه سایر دولتها مثل عراق، لیبی یا سوریه طرح کرده بودند، نمی‌پرداخت.

59. Treasury Department.

60. VTPA, §2002(a) (1)(A), (2)(B) & (C).

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۷۵

آن از وزارت خزانة داری آمریکا دریافت نمایند. البته به شرط این‌که (الف) تمام حقوق خود نسبت به خسارات مالی مورد حکم به نفع خود را رها کنند و (ب) تمام حقوق خود نسبت به اجرا یا توقیف دسته‌های خاصی از اموال از جمله اموال مورد بحث در دعاوی علیه ایالات متحده در مراجع بین‌المللی (اموال موضوع بند (ب) از جمله شامل صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران<sup>۶۱</sup> مطروحه در قضیه‌ای در دیوان دعاوی ایران و آمریکا) را رها کنند.<sup>۶۲</sup> به موجب انتخاب سوم، خواهانها/ شکات می‌توانستند از اخذ محکوم به از وزارت خزانة داری خودداری کرده و اجرای احکام صادره به نفع خود را در بهترین شکل ممکن پیگیری نمایند. به هر حال این قانون در بندهای بعدی، FSIA را اصلاح می‌کند تا مشخص سازد که رئیس‌جمهور – در جهت امنیت ملی – می‌تواند از توقیف یا اجرا علیه اموال دولتهای تروریست واقع در ایالات متحده که تابع قوانین

---

61. Iran's Foreign Military Sales (FMS) Trust Fund.

62. VTPA, §2002(a)(1)(B), (2)(B) & (D).

بلوکه‌کننده ایالات متحده هستند جلوگیری کند.<sup>۶۳</sup>

این قانون مقرر می‌کند که رئیس جمهور باید اموال دولت کوبا در ایالات متحده را تا حد ضرورت آزاد ساخته و خسارات مورد حکم نسبت به افراد در احکام صادره علیه دولت کوبا را از آن محل تصفیه نماید. به علاوه، به موجب این قانون وزیر خزانه‌داری<sup>۶۴</sup> باید مبالغ مربوط در احکام علیه ایران را از طریق منافع اجاری متعلق به اموال دیپلماتیک و کنسولی ایران در ایالات متحده و همچنین از سایر مبالغ در دسترس ایالات متحده به میزانی که متجاوز از مبلغ صندوق امانی FMS نباشد به اشخاص پرداخت نماید.<sup>۶۵</sup>

این قانون بر اختیار رئیس جمهور برای اداره و پرداخت اموال واقع در ایالات متحده در مواقع مقتضی در جهت منافع ملی برای جبران خسارت قربانیان تروریسم مجدداً تأکید می‌نمود. کمیته

---

63. VTPA, §2002(f) amending 28 U.S.C. §1610(f).

64. Secretary of Treasury.

65. Murphy Sean D., *ibid.*, p. 138.

کنگره در گزارش خود در مورد این قانون بیان داشت:

«هدف کمیته این است که هرگاه دادگاهی حکمی نهایی صادر نمود، رئیس جمهور قضیه را (به صورت خاص) بررسی نموده تا تعیین نماید که آیا از (اختیار) اعراض از امنیت ملی استفاده کند، یا به خواهانها در جمع‌آوری اموال توقیف نشده دولتهای خارجی در ایالات متحده کمک نماید، یا به دادگاهها اجازه دهد تا نسبت به اموال توقیف شده، حکم صادره را اجرا کنند یا از امتیازات موجود خود برای واگذاری و دادن این اموال به عنوان خسارت به قربانیان تروریسم استفاده کنند.

هرگاه رئیس جمهور بعداً تصمیمی در خصوص توسل به اعراض (از امنیت ملی) بگیرد، باید به صورت قطعی تعیین نماید که آیا معیارهای امنیت ملی برآورد شده است یا خیر؟ کنگره در تصویب این قانون نظر خود را بیان می‌کند که توقیف و اجرای اموال مسدود شده برای اجرای احکام صادره به موجب قانون ضد تروریسم سال ۱۹۹۶ به خودی خود مغایرتی با

مقتضیات امنیت ملی ندارد. در واقع به نظر کمیته مجبور ساختن دولت‌های خارجی حامی تروریسم نسبت به خساراتی که دادگاه‌ها حکم کرده‌اند برای قربانیان تروریسم در جهت منافع امنیت ملی ایالات متحده آمریکا است. در نتیجه نه قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی و نه سایر قوانین سد راه اجرای عدالت نخواهند شد. بنابراین به نظر کمیته، اختیار اعراض نباید به صورت روزمره یا به صورت کلی استفاده شود، بلکه باید در جایی استفاده شود که مقتضیات امنیت ملی ایالات متحده، اتخاذ اقدامات خاصی را نسبت به اموال بلوکه شده یا سایر منابع – همانند واگذاری و پرداخت آن منابع – ایجاب نماید و در این موارد می‌توان توقیف از طریق دادگاه را ترجیح داد».<sup>۶۶</sup>

البته علی‌رغم یادداشت احتیاطی کنگره، کلینتون (رئیس‌جمهور وقت آمریکا) از اختیار اعراض به صورت کلی در همان روز امضای قانون استفاده کرد و بیان نمود که چنین توقیف و اجراهایی علیه اموال بلوکه شده «مانع اختیار رئیس

---

66. H.R. CONF. REP. No.166-939 at 118 (2000).

جمهوری برای راهبري سياست خارجي در جهت منافع امنيت ملي خواهد شد...»<sup>۶۷</sup>

در اين خصوص بعضي از خواهانها/شکات ادعاهايي را به اين مضمون مطرح نمودند که پرداخت پول از محلي خارج از خزانه داري ايالات متحده آمريکا به خواهانهاي آمريکايي، دولتهاي غير آمريکايي را از شرکت در اعمال تروريستي بر حذر خواهد داشت. به علاوه کوبا و ايران نیز نسبت به اين قانون اعتراض نموده و بيان داشتند که ايالات متحده حق انتقال منابع (مالي) آنها را به خواهانهاي آمريکايي ندارد.<sup>۶۸</sup>

حال مجدداً به قانون ماده واحده صلاحيت دادگستري جمهوري اسلامي ايران برگرديم و وضعيت خسارات موضوع اين قانون را بررسی کنیم. دیدیم، ماده واحده در بندهاي دوگانه خود به اين دعاوي پرداخته و آنها را به شرح زیر بيان مي‌نمود:

«۱- خسارات ناشي از هرگونه اقدام و

فعاليت دولتهاي خارجي که مغاير با

---

67. Murphy Sean D., *ibid.*, p. 139.

68. Murphy Sean D., *ibid.*, p. 139.

حقوق بین‌الملل باشد از جمله دخالت در امور داخلی کشور که منجر به... گردد».

«۲- خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های تروریستی که دولت خارجی از آنها حمایت نموده و اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود را به آنان داده باشد و اقدامات مذکور منجر به... گردد».

در مورد خسارات موضوع این قانون توجه به چند نکته ضروری است:

۱- ایالات متحده آمریکا بدو در سال ۱۹۷۶ قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی خود را وضع نمود. این قانون به عنوان قاعده‌ای کلی مصونیت حاکمیت‌های خارجی را بیان می‌نمود، لیکن در مواردی چند، همانند معاملات تجاری و غیره استثناهایی را بر آن وارد می‌کرد. این قانون متعاقباً، با قوانین دیگری مثل قانون اجرای کنوانسیون داورى تجاری بین‌المللی میان کشورهای آمریکایی، قانون مبارزه با تروریسم و مجازات مؤثر مرگ و قانون قربانیان قاچاق و حمایت از خشونت سال

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۸۱

۲۰۰۰ و غیره به صورت موردی اصلاح شده است. لذا بین این دو قانون (یعنی قانون مبارزه با تروریسم و قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی)، ارتباطی منطقی و کاملاً مستقیم وجود دارد. ولی در مورد ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری چنین فرض و پیش‌زمینه‌ای وجود ندارد. این ماده واحده با عنوان صلاحیت دادگستری در دعاوی مدنی و تجاری نسبت به تروریسم بین‌المللی و سایر اعمال ناقض حقوق بین‌الملل قاعده‌گذاری کرده است؛

۲- کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر خود از ماده ۱۲ طرح پیشنهادی بیان می‌کند که: «این ماده استثنایی را بر مصونیت دولت در عرصه مسؤلیت مدنی یا ضمان قهری<sup>۶۹</sup> ناشی از ... پدید می‌آورد». ۷۰ کمیسیون در ادامه بیان می‌کند که:

«محدوده خسارات بیان شده در ماده ۱۲ اساساً مربوط به فوت یا صدمات فیزیکی وارده به افراد یا خسارت وارده به اموال مادی آنان به صورت اتفاقی در حوادث رانندگی است... به عبارت دیگر

---

69. Tort or civil liability.

70. The ILC Report, 1991, p. 44.



این ماده بیشترین محدوده حوادث ناشی از حمل کالا یا مسافر از طریق راه آهن، جاده، آب یا هوا را در بر می‌گیرد. قاعده عدم مصونیت در این موارد، اساساً احتمال پنهان شدن شرکت بیمه در لفاف مصونیت دولت و فرار از مسئولیت خویش در مقابل افراد را از بین خواهد برد».<sup>۷۱</sup>

بنابراین کمیسیون در بیان صدمات بدنی و خسارات وارده به اموال به هیچ وجه توجهی به این خسارات نداشته و فقط به خساراتی توجه داشته است که در جریان عادی زندگی روزمره به وقوع می‌پیوندد. از همین‌رو، کمیسیون در تفسیر خود از مواد پیش‌نویس در جای دیگر صریحاً

---

71. The ILC Report, 1991, p. 45;

البته اگرچه مقصود کمیسیون از بیان ماده ۱۲ اساساً در برگرفتن خسارات بیان شده در فوق است، مع‌هذا عبارت ماده ۱۲ به گونه‌ای عام بیان شده که می‌تواند محدوده وسیع‌تری از خسارات را در بر بگیرد و خود کمیسیون نیز بر این امر اعتراف نموده است. کمیسیون در این مورد بیان می‌دارد که: «به علاوه محدوده ماده ۱۲ به اندازه‌ای گسترده است که بتواند صدمات فیزیکی بین‌المللی همچون ضرب و جرح (Assault and battery)، خسارت عمدی به اموال (Malicious damage to property)، حریق عمدی و قتل (Arson and homicide) از جمله ترور سیاسی (Political assassination) را نیز دربر بگیرد. نک.

The ILC Report, 1991, p. 45.

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۸۳

این‌گونه موارد را از محدوده ماده ۱۲ خود با این عبارت خارج می‌کند:

«بنابراین موارد تیراندازی یا آتشباری در طول مرزها یا ورود به مرزهای محصور (یک دولت) در نتیجه وجود مخاصمه‌ای نظامی که به وضوح نقض تمامیت سرزمینی دولت همسایه را بوجود می‌آورد، از محدوده این ماده مستثنی هستند».<sup>۷۲</sup>

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت که محدوده صدمات بدنی و خسارات وارده به اموال در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی، اساساً متفاوت از صدمات بدنی و خسارات وارده به اموالی است که به صورت کلاسیک در بحث مصونیت دولت وجود داشته و مورد بحث است. اما شباهت صدمات و خسارات بدنی وارده به اموال مذکور در این قانون با خسارات مطروحه در قانون ضد تروریسم و مجازات مؤثر مرگ ایالات متحده آمریکا، به هر حال موضوع دیگری است.

---

72. The ILC Report, 1984, p. 67.

۳- بین بندهای ۱ و ۲ ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران تفاوتی (در لفظ و معنی) نسبت به شخص زیان دیده وجود دارد. بند ۱ این ماده واحده اشعار می‌دارد: «خسارات ناشی از... که منجر به فوت، صدمات بدنی و روانی و یا ضرر و زیان مالی اشخاص گردد» و حال آن‌که بند ۲ این ماده بیان می‌کند: «خسارات ناشی از... که منجر به فوت یا صدمات بدنی و روانی و یا ضرر و زیان مالی اتباع ایران گردد». از آنجا که قانونگذار عمل بیهوده انجام نمی‌دهد، باید معتقد بود که قانونگذار با کاربرد دو اصطلاح متفاوت در دو بند مشابه و پی در پی از یک ماده قانونی، دو پیام متفاوت دارد. ذکر این نکته لازم است که صدر ماده واحده نیز در خصوص موضوعات و تابعان این قانون به شکل زیر حکم می‌کند: «به موجب این قانون اتباع ایرانی می‌توانند در موارد ذیل از اقدامات دولتهای خارجی... در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند».

متأسفانه «شخص» و «تبعه» ویژگیهای مشترکی عرضه می‌دارند. به عبارت دیگر

تابعیت وصفی است که اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی می‌توانند آن را اکتساب نمایند. بنابراین نمی‌توان در این جا بین شخص و تبعه تفکیک نمود که لفظ شخص فقط ناظر بر اشخاص حقیقی است و تبعه ناظر بر اشخاص حقوقی است و یا به عکس و آن هم در صورتی که الفاظ مربوط نیز تاب چنین تفسیری را داشته باشند، لیکن در عمل ما هیچ قرینه‌ای نداریم که بتوانیم این‌گونه تفسیر نماییم. لذا با توجه به صدر ماده می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که منظور قانونگذار از بکار بردن دو اصطلاح متفاوت در اینجا که تا حدودی سبب ابهام شده است بیان معنایی واحد است.

۴- متن پیش‌نویس تهیه شده کمیسیون حقوق بین‌الملل در بررسی این خسارات و انتخاب بهترین دادگاه ممکن، از بین دادگاه‌های مرتبط با موضوع برای اعمال صلاحیت به دکترونی حقوقی متوسل شده و سرانجام دادگاهی را که دارای بیشترین ارتباط ممکن با قضیه است یعنی دادگاه محل ارتکاب را به عنوان دادگاه صلاحیتدار انتخاب نموده است. ولی قانون ایالات متحده آمریکا و قانون متقابل

ایران با توسل به دکترینی جزمی (که شدیداً منبعث از انگیزه‌های سیاسی است) صلاحیت خود را به خارج از این حوزه بسط داده‌اند. در هیچ‌یک از بندهای دوگانه قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران اشاره‌ای نشده است که محل وقوع فعل یا ترك فعل موجب زیان و همچنین محل وقوع خسارت کجا باید باشد. به عبارت دیگر ارتباط سرزمینی در تعیین این صلاحیت قضایی برای دادگاه‌های خویش کلاً نادیده انگاشته شده است.

پس از بیان شرایط و ویژگی‌های خسارات موضوع ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی، حال شایسته است تا به خود خسارات و صدمات موضوع این قانون پرداخته و انطباق آن را با قواعد پیش‌نویس کمیسیون سنجیده و قانون متقابل ایالات متحده آمریکا را در این مورد بررسی نماییم.

**بند اول - فوت، صدمات بدنی و روانی و ضرر و زیان مالی**

قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران به هنگام بیان خسارات قابل

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۸۷

مطالبه اشخاص، موارد زیر را مقرر می‌کند: فوت، صدمات بدنی و روانی و زیان مالی. در مورد فوت، صدمات بدنی و زیانهای مالی مشکلی به چشم نمی‌خورد و متن ماده با قاعده مصونیت دولت در این خصوص یکسان است، جز این‌که در صدمات روانی قابل مطالبه ابهاماتی وجود دارد. پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل فقط به فوت، صدمات بدنی و ضرر و زیانهای مادی وارده به اموال می‌پردازد و هدف آن فقط پوشش دادن به خساراتی است که به شکل روزمره<sup>۷۳</sup> در خاک دولت مقرر دادگاه به وقوع می‌پیوندند. به همین دلیل و به منظور اجتناب از طرح دعوی علیه دولت خارجی در این موارد بعضی از دولتها به موجب قانون، بیمه را برای نمایندگان دولتهای خارجی در خاک خود الزامی می‌کنند.<sup>۷۴</sup> کمیسیون در تفسیر مواد

---

۷۳. کمیسیون در اینجا از اصطلاح "Routinely" استفاده نموده و هدفش بیان خساراتی است که به صورت روزمره در حمل و نقل بین‌المللی رخ می‌دهد.

۷۴. برای مثال ایالات متحده آمریکا به موجب قانون ذیل بیمه را برای نمایندگان دولتهای خارجی الزامی کرده است:

United States Foreign Missions Amendments Act, 1983 (public law 98-164 of 22 November 1983, title VI, sect.603.

پیشنویس کنوانسیون صریحاً بیان می‌کند  
که :

«ماده ۱۲ به هیچ وجه قضایایی را که  
در آن خسارت فیزیکی وجود ندارد در بر  
نمی‌گیرد. خسارت به شهرت یا افتراء<sup>۷۵</sup>  
صدمه شخصی در معنای فیزیکی نیست و  
ارتباطی به حقوق قراردادی یا سایر  
حقوق از جمله حقوق اقتصادی یا  
اجتماعی یا خسارت وارده به اموال  
عینی ندارد»<sup>۷۶</sup>.

چنین برمی‌آید که کمیسیون حقوق  
بین‌الملل صریحاً خسارات معنوی و از جمله  
خسارت به شهرت و آبرو را به عنوان  
مهم‌ترین مصداق آن از محدوده ماده ۱۲  
خود استثنا می‌کند.

قانون ضد تروریسم و مجازات مؤثر  
مرگ ایالات متحده آمریکا از یک سو و  
قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی  
ایران از سوی دیگر، هر دو صدور حکم  
نسبت به خسارات معنوی را بیان  
داشته‌اند.

---

75. Defamation.

76. The ILC Report, 1984, p. 66.

صرفنظر از انطباق یا عدم انطباق خسارت معنوی در بحث مصونیت دولت، نکته دیگری که در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران قابل توجه است مسأله عمل متقابل در تعیین میزان خسارت است. آیین‌نامه اجرایی<sup>۷۷</sup> این قانون مصوب ۱۳۷۹/۲/۳۱ در تبصره ماده ۵ خود بیان می‌کند:

«خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولتهای خارجی که مغایر با حقوق بین‌الملل باشد با رعایت اصل عمل متقابل تعیین می‌شود».

در بحث جبران خسارت قاعده‌ای مبنایی وجود دارد که در تعیین میزان غرامت و خسارت سعی می‌شود تا حد امکان وضعیت موجود به وضعیت پیش از وقوع خسارت نزدیک شود.<sup>۷۸</sup> هر چند در بسیاری از موارد (خصوصاً در بحث خسارات معنوی) عملاً امکان ندارد، ولی سعی می‌شود که در خسارات مادی معادل مال از دست رفته و در بحث

---

۷۷. این آیین‌نامه بنا به پیشنهاد وزارتخانه‌های دادگستری و امور خارجه به تصویب هیأت دولت رسیده است.

۷۸. کاتوزیان، دکتر ناصر، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۶۹، صص ۱۴۹-۱۴۴.



خسارات معنوي معادلي براي تشفي خاطر  
زيانديده يا نزديكان آن تعيين گردد.  
حال اگر اين قانون صدور حکم به خسارات  
را منوط به عمل متقابل مي‌نمود، بهتر به  
نظر مي‌رسد تا اينکه تعيين ميزان خسارت  
را منوط به عمل متقابل مي‌کرد. آيا  
جداکردن تعيين خسارت از ريشه‌هاي خود  
(يعني ضرر وارده و وضعيت شخصي  
زيانديده) و منوط کردن آن به عمل  
متقابل به نوعي بي‌معني‌کردن «تعيين  
خسارت» نيست؟ خوشبختانه بر اين  
آيين‌نامه اجرائي در سال ۱۳۷۹ اصلاحيه‌اي  
وارد شده،<sup>۷۹</sup> و به تصويب هيأت وزيران  
رسيده است که به موجب آن تحويري در  
آيين‌نامه اجرائي بوجود مي‌آورد و آن  
اينکه عبارت «اصل عمل متقابل» مندرج در  
تبصره ماده ۵ آيين‌نامه اجرائي را حذف و  
عبارت «مقررات مربوط» را جايگزين آن  
مي‌کند. با اين تحوير، تبصره ماده ۵  
آيين‌نامه ظاهري موجه به خودگرفته و  
صدور حکم نسبت به خسارت بر اساس قوانين

---

۷۹. «اصلاحيه آيين‌نامه اجرائي قانون صلاحيت دادگستري  
جمهوري اسلامي ايران براي رسيدگي به دعاوي مدني عليه  
دولتهاي خارجي مصوب ۱۳۷۸»، شماره ۳۱۳۴۸/ت/۲۳۵۴۱ هـ مورخ  
۱۳۷۹/۷/۱۹، روزنامه رسمي شماره ۱۶۲۱۳ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰.

مربوطه (قوانین مدنی و آیین دادرسی مدنی) امری منطقی و موجه خواهد بود.

### بند دوم - خسارات تنبیهی<sup>۸۰</sup>

از جمله ویژگیهای قواعد حل تعارض این است که فقط به تعارض موجود یا احتمالی بین صلاحیتها و یا قوانین مرتبط به موضوع پرداخته و به هیچ وجه در ماهیت امر یا موضوع، قانونگذاری نمیکنند. دیدیم که قانونگذار ایران در این ماده واحده علاوه بر خسارات مادی، نسبت به خسارات معنوی نیز حکم نموده است. در حال حاضر ضرر و زیان معنوی در سیستم حقوقی ایران شناخته شده (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹) و قانونگذار ایران قبلاً در مواد ماهوی خود حدود و ثغور آن را مشخص نموده است. اما قانونگذار در سال ۱۳۷۹ بند دیگری به ماده واحده صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران اضافه نموده و در این بند

---

80. Punitive damages.

نسبت به خسارت تنبیهی حکم می‌کند.<sup>۸۱</sup> بند ۳ اضافه شده به این قانون بیان می‌کند: «۳- با توجه به اصل عمل متقابل، میزان در تقویم خسارات مادی و معنوی زیاندیدگان و در صورت لزوم خسارات تنبیهی احکام مشابه صادره از دادگاههای خارجی خواهد بود».

با توجه به این عبارت، سؤالات متعددی پدید می‌آید از جمله این‌که خسارت تنبیهی چیست و حدود و ثغور آن کدام است؟ آیا قانونگذار در هنگام بیان قاعده حل تعارض به قوانین مادی پرداخته و تأسیس جدیدی را وارد سیستم حقوقی ایران نموده است؟ در صورت پذیرش فرض قبلی، آیا این عمل قانونگذار بدین معنی است که با وضع این بند، قوانین مربوطه قبلی در این مورد را به گونه‌ای نسخ

---

۸۱. در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۲۱ قانون اصلاح صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی به تصویب مجلس رسید. این قانون که در شکل ماده واحده‌ای با دو تبصره به تصویب رسید، مقرر می‌دارد: «برای مقابله و جلوگیری از نقض بیشتر مقررات و موازین حقوق بین‌الملل توسط دولتهایی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران را نادیده گرفته و می‌گیرند، بند ذیل به عنوان بند (۳) به ماده واحده صلاحیت دادگستری ... اضافه می‌شود»...

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۹۳

نموده است؟ آیا نهاد خسارت تنبیهی با نهاد خسارت معنوی در سیستم حقوقی ایران یکی نیست؟ و...

تعریف خسارات معنوی تا حدی مشکل‌تر از خسارات مادی است. خسارات معنوی را برخی به عنوان صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی بیان نموده‌اند، مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی.<sup>۸۲</sup> بنا به این تعریف خسارات معنوی را به دو دسته تقسیم می‌کنند: ۱- زیانهای وارده به حیثیت و شهرت و بطور خلاصه آنچه در زبان عرف سرمایه یا دارایی معنوی شخص است، و ۲- لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی که شخص، با از دست دادن عزیزان خود، یا ملاحظه درد و رنج آنان می‌بیند.<sup>۸۳</sup> البته بند ۲ از ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق نیز تعریفی مشابه از خسارات معنوی بدین شرح ارائه نموده بود: «... ضرر و زیان معنوی، که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار

---

۸۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، همان، ص ۱۴۴.

۸۳. کاتوزیان، دکتر ناصر، همان.

اشخاص یا صدمات روحی».<sup>۸۴</sup> اما ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در این مورد بیان می‌کند:

«هرکس... به جان، سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری، یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید... مسؤول جبران عمل خود می‌باشد».

علاوه بر موارد فوق، خسارات معنوی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز به رسمیت شناخته شده است. این اصل در بیان حکم خسارات ناشی از اشتباه قاضی بیان می‌کند:

«هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد...».

---

۸۴. ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸) مقرر می‌دارد: «... ضرر و زیان‌های قابل مطالبه به شرح زیر می‌باشند:

۱- ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.

۲- منافع که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود».

**تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۹۵**

بنابراین در سیستم حقوقی ایران در حال حاضر خسارات معنوی به رسمیت شناخته شده است.

اما خسارات تنبیهی به چه معنی است؟ خسارات تنبیهی<sup>۸۵</sup> خساراتی هستند که به جای جبران صدمات وارده به خواهان عمدتاً به منظور تنبیه خواننده نسبت به آنها حکم می‌شود.<sup>۸۶</sup> از آنجایی که قاعده کلی بر این است که به میزان صدمات وارده نسبت به خسارت حکم شود، لذا در دعاوی ضمان قهری (مسئولیت خارج از قرارداد)<sup>۸۷</sup> به صورت استثنایی نسبت به خسارت حکم می‌شود. در بعضی از دعاوی ضمان قهری همانند موارد زیر می‌توان نسبت به خسارات تنبیهی حکم نمود: (۱) زمانی که صریحاً به موجب قانون مجاز به انجام چنین امری بود؛ (۲) برای تنبیه کارمندان دولت به خاطر اقدام خودسرانه، خارج از حدود اختیارات و یا اقدامات برخلاف قانون اساسی آنان؛ (۳) هنگامی که خواننده تعمداً محاسبه کرده منافع حاصل

---

85. Exemplary damages, Punitive damages, Vindictive damages.

86. Oxford Law Dictionary, 1990, Oxford University Press, p. 179.

87. Tort.

از ارتکاب عمل موجد ضمان قهري (مثل چاپ کتاب اهانت‌آمیز) بیش از خساراتي است که احتمالاً باید پرداخت نماید.<sup>۸۸</sup>

چنین برمی‌آید که خسارت تنبیهی نهادي است با ویژگیهای خاص خود که در سیستم کشورهای انگلیس و آمریکا وجود دارد. این نهاد در سیستم حقوقی ایران تا کنون جایگاهی نداشته است و کلاً در سیستم حقوقی ما نا آشنا است. با وجود این، قانونگذار این نهاد را بر خلاف روش قانونگذاری معمول وارد حقوق ایران نموده است. اگر ضرورتی بر وجود این نهاد در سیستم حقوقی ایران احساس می‌شد بهتر بود که قانونگذار در قانونی ماهوی (مثل قوانینی که سایر خسارات را در آنها بیان نموده است) چنین کاری می‌کرد و این نوع خسارت را تعریف و حدود و ثغور آن را مشخص می‌نمود و سپس در قاعده حل تعارض خود نسبت به اعمال یا عدم اعمال آن حکم می‌کرد.

ملاحظه شد که قانون ضد تروریسم و مجازات مؤثر مرگ ایالات متحده آمریکا به این خسارت پرداخته و دادگاههای آن کشور

---

88. Oxford Law Dictionary.

نیز بر اساس زمینه قانونی مربوطه نسبت به این خسارات حکم نموده اند. حال چنانچه دعوایی در دادگستری تهران در این خصوص اقامه گردد، قاضی ایران در صدور حکم نسبت به خسارات تنبیهی چگونه باید با این نهاد ناشناخته در سیستم حقوقی ایران مواجه شود و چگونه باید میزان آن را ارزیابی کند. بند ۳ الحاقی به ماده واحده صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران در این مورد بیان می‌کند:

«با توجه به اصل عمل متقابل، میزان در تقویم خسارات مادی و معنوی زیاندیدگان و در صورت لزوم خسارات تنبیهی، احکام مشابه صادره از دادگاههای خارجی خواهد بود».

آیا این بیان در بند ۳ الحاقی راهگشا است؟ دیدیم در آراء صادره از دادگاههای ایالات متحده، صدور حکم به خسارت تنبیهی از هر قضیه به قضیه‌ای دیگر متفاوت است و میزان آن با توجه به وقایع<sup>۸۹</sup> هر قضیه مشخص می‌شود و حتی در بعضی از قضایا اصلاً نسبت به خسارت

---

89. Facts.



تنبیهی حکم نشده است. حال چگونه احکام مشابه می‌توانند مبنای تعیین خسارت تنبیهی قرار بگیرند؟ و نکته بعد این‌که عبارت «در صورت لزوم» در این بند مبین چیست؟ در چه مواردی صدور حکم نسبت به این‌گونه خسارات ضروری است؟ تمامی این پرسشها، مسائلی است که قانونگذار نادیده‌گرفته و از کنار آنها گذشته و سرانجام قاضی رسیدگی‌کننده را در عمل با مشکل مواجه می‌کند.

### قلمروی زمانی قانون

تبصره ۱ ماده واحده صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران محدوده زمانی آن را مشخص نموده است:

«دعاوی موضوع این قانون که منشأ آن قبل از تصویب این قانون بوده قابل طرح و رسیدگی می‌باشند».

با توجه به این‌که عطف به‌ماسبق شدن قوانین شکلی و ماهوی متفاوت است، آیا قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران، قانونی مادی و ماهوی است یا قانونی شکلی (حل تعارض)؟ همچنین، چون

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۱۹۹

عطف بما سبق شدن در قوانین کیفری متفاوت از قوانین مدنی است، آیا این قانون مدنی است یا کیفری؟

اگر به فعالیت‌های تروریستی و فعالیت‌های مغایر حقوق بین‌الملل دولتها در این قانون توجه کنیم، این قانون وصفی کیفری خواهد گرفت. در قوانین کیفری هم کاملاً مشخص است که قوانین مادی آن به عطف به ماسبق نمی‌شوند، مگر قوانین شکلی آن. برابر اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی:

«هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود».

اما در مورد قوانین شکلی کیفری قضیه حکم متفاوتی دارد، چون این قوانین ناظر بر ساختار دستگاه رسیدگی‌کننده و یا جریان رسیدگی است، علی‌الاصول به گذشته سرایت می‌کنند.

اگر عنوان ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری، یعنی «دعای مدنی» را مد نظر قرار دهیم و همچنین اگر به موضوع این قانون یعنی «دعوی خسارت» توجه کنیم،

باید به آن وصف مدنی بدهیم. در قوانین مدنی هم ملاک ماده ۴ قانون مدنی است که امکان عطف بماسبق شدن قوانین را پیشبینی کرده است. ماده ۴ قانون مدنی در این مورد بیان می‌کند:

« اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد».

بنابراین بهتر است به این قانون وصف مدنی داد و سرایت مقررات آن را به زمان قبل از تصویب امری قانونی فرض کنیم تا با ایراد قانونی روبرو نشویم. اما نکته‌ای که در این تبصره باقی می‌ماند محدوده سرایت این قاعده به گذشته است. قوانینی که عطف بماسبق می‌شوند معمولاً محدوده عطف به گذشته را مشخص می‌کنند، مگر در مورد قوانینی که به موجب آن ساختار قضایی تغییر یافته باشد، (همانند تبدیل دادگاههای کیفری و مدنی به دادگاههای عمومی)، و در این موارد کلیه پرونده‌های موجود را با هر منشأ تاریخی به ساختارهای جدید احاله

**تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۲۰۱**

می‌دهند. تبصره ۱ مورد نظر بدون هیچ صراحتی در این مورد فقط قانون را عطف به گذشته نموده است و بیان می‌کند که «دعاوی موضوع این قانون که منشأ آن قبل از تصویب این قانون بوده...» و در این مورد هیچ محدوده تاریخی را مشخص نمی‌کند همانند يك سال، پنج سال، ده سال و ... . بدیهی است که این عدم تعیین محدوده مشکلات زیادی را در عمل پدید خواهد آورد.

نکته‌ای که در پایان این بررسی باقی می‌ماند این است که آیا می‌توان از لابلای این قواعد و مقررات به نتیجه‌ای دست یافت که در سیستم حقوقی ایران، مصونیت قضایی دولتها به عنوان قاعده یا اصل وجود داشته و معتبر باشد؟ همچنان‌که ملاحظه شد دولتهای متعددی در سیستم حقوقی داخلی خود در این مورد قانونگذاری کرده‌اند و بعضاً نیز به صورت عرفی به این مصونیت در آراء دادگاههای خود استناد می‌کنند. اما قوانین متعدد ایالات متحده آمریکا، که ایران با آن قوانین با وضع ماده واحده صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران مقابله

کرده است، در واقع استثنای را بر قوانین قبلی آن (یعنی قانون ۱۹۷۶ مصونیت‌های دولت خارجی) که ناظر بر پذیرش مصونیت دولتها به عنوان یک قاعده است پدید می‌آورند.

در ایران چنین قانون مقدماتی به شکل عام و کلی وجود ندارد<sup>۹۰</sup> و باید از لابلای همین قانون به این نکته رسید.

هر چند ماده واحده صلاحیت دادگستری، خود مصونیت دولت را در مواردی خاص ملغی نموده و به دادگستری جمهوری اسلامی ایران صلاحیتی را در رسیدگی اعطا می‌کند، در واقع مشعر بر این است که مصونیت دولت در سیستم حقوقی ایران به عنوان اصل و قاعده‌ای کلی پذیرفته شده است. این ماده واحده صریحاً بیان می‌کند:

«... از اقدامات دولتهای خارجی که

مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی

دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات

---

۹۰. البته به استثنای معاهدات دوجانبه مودت و دوستی و یا بازرگانی بین ایران و سایر دولتها که فقط در روابط دوجانبه بین دو دولت حاکم است. در این معاهدات معمولاً به مصونیت قضایی دولت اشاره نموده و آن را محترم می‌شمارند و دسته‌های خاصی از روابط را از محدوده این مصونیت خارج ساخته و تابع صلاحیت قضایی طرف دیگر معاهده می‌کنند.

رسمي آن را نقض نموده باشند در دادگستري تهران اقامه دعوي کنند...».

به عبارت ديگر معنای مخالف این عبارت دلالت بر این امر دارد که «مصونیت قضایی دولتهای خارجی که مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نمی‌کنند، در ایران معتبر است».<sup>۹۱</sup> بنابراین، این ماده واحده به صورت ضمنی مشعر بر این امر است که مصونیت قضایی دولتها در شکل عام به عنوان قاعده‌ای در سیستم حقوقی ایران پذیرفته شده است.

همچنین، روح حاکم بر مجلس شورای اسلامی نیز دلالت بر این امر دارد که مصونیت قضایی دولتهای خارجی قاعده معتبر حقوق بین‌الملل است و باید بین دولتها محترم شمرده شود. آقای موسی قربانی نماینده مجلس در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۱۸ آبان ۱۳۷۸ در مجلس شورای اسلامی بیان می‌کند:

---

۹۱. از نظر اصولی نیز چون این عبارت دارای مفهوم شرط است، بنابراین مفهوم مخالف آن حجت است.

«... در ارتباط با مقابله به مثل با دولت تجاوزگر آمریکا که بر خلاف حقوق بین‌الملل و مصونیت قضایی که همه کشورها دارند در داخل کشور خودش قانون وضع کرده و علیه دولت ایران و مقامات رسمی ایران در محاکم خودش حکم صادر می‌کند و به موقع اجرا می‌گذارد، نمایندگان محترم در صدد مقابله با این کار برآمده و طرحی را تهیه کرده‌اند که محاکم جمهوری اسلامی ایران هم این صلاحیت را داشته باشند که با کشورهایی که مصونیت قضایی ما را نقض می‌کنند برخورد متقابل بکنند...».<sup>۹۲</sup>

علاوه بر این، آیین‌نامه اجرایی این قانون (مصوب ۱۳۷۹/۲/۳۱) نیز در ماده ۶ خود به شکلی دیگر بر اعتقاد قانونگذار ایرانی<sup>۹۳</sup> بر وجود مصونیت قضایی به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور تأکید می‌کند:

---

۹۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، مذاکرات علنی مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۲۴، شماره ۱۵۹۵۳، ص ۳۲، (دوره پنجم، اجلاس چهارم، سه‌شنبه هجدهم آبان ۱۳۷۸).

۹۳. منظور از قانونگذار در اینجا هیأت دولت است.

**تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۲۰۵**

«دولت جمهوری اسلامی ایران کلیه راه‌های بین‌المللی به ویژه مراجعه به مراجع بین‌المللی را که برای اعاده و احیای مصونیت خود لازم و مفید می‌داند نیز بررسی و اقدام مقتضی معمول خواهد داشت».

به موجب این ماده قانونگذار تأکید نموده است که قاعده مصونیت قضایی، قاعده‌ای محترم و الزام‌آور است. قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی (مصوب ۱۳۷۹/۸/۲۱) تأکید دارد که مصونیت قضایی دولتها يك قاعده الزام‌آور بین‌المللی است و باید دولتها آن را رعایت کنند. صدر این ماده واحده اشعار می‌دارد:

«برای مقابله و جلوگیری از نقض بیشتر مقررات و موازین حقوق بین‌الملل توسط دولتهایی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران را نادیده گرفته و می‌گیرند...».

بنابراین قانونگذار ایرانی بر این باور است که نقض مصونیت قضایی دولتی از



طرف ساير دولتها سبب نقض مقررات و موازين حقوق بين الملل خواهد شد.

### نتيجه

اين را بايد بگويم كه مرز قاعده مصونيت دولت در روابط بين الملل به وضوح مشخص نيست. شايد يكي از دلايل به درازا كشيدن تلاشهاي كميسيون حقوق بين الملل براي تدوين اين بخش از حقوق بين الملل هم همين واضح نبودن آن باشد. در استثنائات وارده بر قاعده مصونيت دولت به آراء قضايي مخالفی برخورد مي كنيم، در ذكر عقايد علما اتفاق نظر حاصل نيست و در بحث مصونيت از اجرا شاهد عقايد مختلفي هستيم.

در قلمرو ملي اين قاعده نيز ديديم كه قانون صلاحيت دادگستري جمهوري اسلامي ايران صرفاً برخورد مقطعي با موضوع است. صرفنظر از ايرادات عديده مفهومي وارد بر اين قانون، اين مصوبه بدون اينكه به مفاهيم و پايه هاي مسأله مصونيت دولت نزديك شود و موضعي شفاف در مقابل آن اتخاذ نمايد با انگيزه هاي بسيار قوي سياسي فقط در مقام پاسخگويي به رقيب

تحولات قاعده مصونيت دولت ... ❖ ۲۰۷

سیاسی است. از تجربیات تاریخی این‌گونه بر می‌آید که چنین متون مصوبی با همان شدت و سرعتی که وضع می‌شوند متعاقباً نسخ شده و از بین می‌روند و به ندرت می‌توانند مبنای نظامی حقوقی پدید آورند. ولی در نقطه مقابل قوانینی که با تأمل و دقت وضع شده و مبنای و پایه‌های قاعده و نیازهای حال مسأله مربوط در آن لحاظ شده است بیشتر می‌توانند به عنوان مبنایی برای پایه‌گذاری یک نظم مورد اعتماد واقع شوند.

بدون تردید، هیچ‌یک از مسائل حقوقی بین‌المللی را نمی‌توان از زمینه یا ارتباطات سیاسی آن از جمیع جهات جدا کرد و از زاویه صرف حقوقی به آن نگریست، چرا که در هر یک از روابط بین‌الملل جلوه‌ای از دولت، خواستها و تمایلات آن دیده می‌شود. ولی به هر حال هر میزان قاعده حقوقی از جلوه‌های رابطه سیاسی زمینه جدا شود و ساختارش را بر اساس منطق حقوقی (در مقابل منطق سیاسی، منطق مصلحت و نفع) بنا نهد، میزان بقا و قابلیت تکیه آن نظم و قاعده حقوقی بیشتر خواهد شد. قوانین داخلی مصونیت

سایر دولتها نیز در واقع عرصه تقابل بین این دو منطق است و قدرت نمایی این دو منطق در معماری حقوقی این قوانین به خوبی نمایان است. ولی متأسفانه در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران به وضوح هویدا است که در تقابل بین این دو منطق، منطق حقوقی در حاشیه قرار گرفته است. نهایتاً می‌توان در یک جمله خلاصه کرد که اگر این قانون بخواهد مبنای نظم حقوقی مصونیت دولتهای خارجی را در درون سیستم حقوقی ایران پدید آورد، ناگزیر است که خود را به مبانی این مفهوم نزدیک کند و از بار جزمی و سیاسی خود بکاهد و به منطق حقوقی آراسته گردد.

اما وضعیت تحولات اخیر و خصوصاً قوانین ایران و آمریکا در زمینه کلی قاعده مصونیت دولت چگونه است و آیا آنها را نیز می‌توان به عنوان استثنای جدید در این خصوص مطرح نمود؟ در ایران متأسفانه قانونی خاص نداریم و رویه قضایی ما نیز در این زمینه ناکافی است. اما «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی

عليه دولتهای خارجی» به صورت ضمنی به این امر پرداخته و باور قانونگذار ایرانی مبنی بر مصونیت دولتهای خارجی و اموال آنها از صلاحیت دادگاههای ایران را بیان می‌کند. صرفنظر از اینکه قانون فوق مصونیت دولتهای خارجی را به صورت ضمنی به رسمیت می‌شناسد، این نکته قابل تأمل است که آیا قانون مبارزه با تروریسم آمریکا و قانون متقابل صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی و سایر اقدامات مشابه دولتها پیشگام تحویلی جدید در حقوق مصونیت دولت و درج استثنای جدید بر آن نیستند؟ آیا این قوانین نمیتوانند در عمل به عنوان عملکرد و رویه‌ای از سوی دولتها به همراه اعتقاد حقوقی بر ضرورت وجودی آنها به عنوان قاعده‌ای حقوقی، پیش درآمدي باشند برای پدید آمدن عرفی جدید در بحث مصونیت دولت و نیز با پذیرش سایر دولتها (جهانشمولی و پذیرش عمومی) کم کم عرفی بین‌المللی در زمینه مقابله با تروریسم به عنوان استثنای جدید در بحث مصونیت قضایی دولتها شکل بگیرد؟

در عمل در رویه دولت‌ها، شاهد موارد مشابه دیگری نیز هستیم. در قضیه پینوشه و یا در قضیه معمر قذافی صرفنظر از بحث مصونیت سران دولت‌ها به صورت مستقل، بخشی از استدلال‌ات مربوطه در این دعاوی راجع به مصونیت دولت و سهم این افراد به عنوان بخشی از هر دولت در مقابل تخلفات ارتكابی بود.

به هر حال تمامی این موارد، همگی سؤالاتی به شمار می‌روند که رویه دولت‌ها در آینده باید به آن پاسخ دهد، و باید منتظر ماند و دید که آیا تروریسم و سایر نقضهای حقوق بشر و یا حداقل دعاوی خسارات ناشی از این موارد می‌توانند در آینده استثنایی جدید را بر قاعده مصونیت دولت پدید آورند یا خیر؟

باید توجه داشت که در بحث صلاحیت دولت‌ها در رسیدگی به امور مدنی برای اعمال صلاحیت دادگاه مقرر من (Mann) در درسی که تحت عنوان The Doctrine of International Jurisdiction Revisited After Twenty Years (1984) در آکادمی بین‌المللی لاهه داده است و براونلی Brownlie در Principles of International Law، وجود يك ارتباط مادی و ماهوی را

تحولات قاعده مصونیت دولت ... ❖ ۲۱۱

بين دعوي مربوطه و دادگاه مقرر ضروري  
مي دانند. ولي در نقطه مقابل آكهرست  
معتقد است:

« در عمل فرض صلاحيت يك دولت به هيچ  
شرائطي در خوانده دعوي و يا وقايع  
دعوي و ارتباط آن با عوامل يا دولت  
مربوط وابسته نيست، بلكه اينگونه به  
نظر مي رسد كه اين صلاحيت با سكوت ساير  
دول پديد مي آيد». <sup>94</sup>

و يا در بحث صلاحيت كيفري، در اعمال  
اصل سرزميني بودن صلاحيت در شكل انفعالي  
خود در قضيه لوتوس چنين آورده شده كه  
ديوان دائمي دادگستري بين المللي در  
قضيه لوتوس بيان مي كند:

«حقوق بين الملل بجاي اينكه قاعده اي  
كلي وضع نمايد تا دولتها با استناد  
به آن نتوانند صلاحيت دادگاههاي خود  
را به اموال و اشخاص خارج از  
سرزمينشان بسط دهند، آنها را با  
اقدامات وسيع صلاحيتي آزاد رها مي كند  
و تنها در موارد خاص آنها را با

---

94. Harris D.J., 1998, Cases and Materials on International Law, 5th ed., Sweet & Maxwell, pp. 265-266.

قواعد ممنوع‌کننده، محدود می‌کند. ولی در سایر موارد دولتها آزادند تا اصولی را که به عنوان بهترین و مناسبترین اصول تلقی می‌کنند، انتخاب نمایند».<sup>۹۰</sup>

بنابراین اعم از این‌که قوانین متقابل ایران و ایالات متحده آمریکا را اعمال و بسط صلاحیت سرزمینی از بعد مدنی و یا کیفی تلقی نماییم (اصل صلاحیت انفعالی)، این بسط صلاحیت در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل مغایرت واضح و آشکاری با قوانین بین‌المللی (قواعد ناظر بر مصونیت دولتها) ندارد و یا حداقل با مخالفتی جدی روبرو نشده است. در این مورد می‌بینیم که دولت ایران قانون مشابهی در عرصه روابط بین‌المللی وضع می‌کند.

نکته قابل توجه این است که، این اقدام دولتهای ایران و ایالات متحده آمریکا، که آن را به عنوان بهترین و مناسبترین راه برای بسط صلاحیت خود نسبت به اشخاص و اموال خارج از سرزمین خود

---

95. PCIJ, 1927, Ser.A, No.10, pp. 18-19.

در این موارد انتخاب نموده اند، به صورت بالقوه از این امکان برخوردار است که با سکوت سایر دولتها و با گذشت زمان همانند قضیه لوتوس و یا سایر موارد مشابه، و خصوصاً در شرایط فعلی جامعه بین‌المللی که افکار عمومی از چنین اعمال صلاحیتی حمایت می‌کند، بدعتی را در مصونیت قضایی دولتها پدید آورد.